



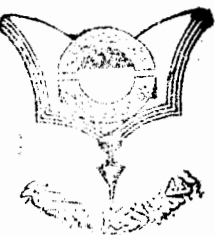
کتابخانه  
فرمانروای  
ایران

ریکارڈو زیپولی



به مناسبت  
اولین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

## آئینه در شعر فرخی، سعدی و حافظ



ریکارδο زیپولی

Riccardo Zipoli



تهران - ۱۳۶۶



انتشارات فردوس: خیابان مجاهدین اسلام، شماره ۲۶۲ تلفن ۲۰۲۵۲۳

ریکاردو زیپولی Riccardo Zipoli

آئینه در شعر فرخی، سعدی و حافظ

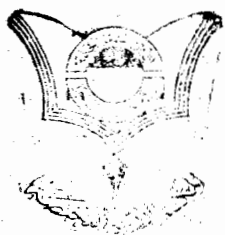
چاپ اول: ۱۳۶۶

حروفچینی: پیشگام - تهران

چاپ: رامین - تهران

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است.



## فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
مقدمه	۶-۱۰
ابیات فرخی میستانی	۱۱
جدولهای ابیات فرخی	۱۲
فهرست الفبایی ابیات فرخی	۱۴-۱۶
فهرست بسامدی واژه‌های ابیات فرخی	۱۷-۱۸
ابیات سعدی شیرازی	۱۹-۲۱
جدولهای ابیات سعدی	۲۳-۲۶
فهرست الفبایی واژه‌های ابیات سعدی	۲۷-۳۲
فهرست بسامدی واژه‌های ابیات سعدی	۳۳-۳۶
ابیات حافظ شیرازی	۳۷-۳۹
جدولهای ابیات حافظ	۴۱-۴۳
فهرست الفبایی واژه‌های ابیات حافظ	۴۵-۵۱
فهرست بسامدی واژه‌های ابیات حافظ	۵۲-۵۶
جدولهای آماری واژه‌ها و کلمات ابیات سعدی و حافظ	۵۷-۵۹
پیشنهادی برای یک بررسی آماری-تطبیقی	۶۱-۷۱

### «هو العزيز الحكيم»

کتابی که اینک در دسترس خواننده گرامیست حاصل پژوهش دوست و همکار فاضلم آقای پرفسور ریکاردو زیپولی استاد زبان و ادبیات فارسی در بخش ایرانشناسی دانشگاه ونیز ایتالیا، و یک بررسی آماری-تطبیقی در شیوه سخن سه تن از سخنسرایان پارسی: فرخی، سعدی و حافظست.

پرفسور زیپولی که در میان ایرانشناسان اروپایی و دوستاران ایران چهره‌یی مهربان و صمیمی، و ذهنی فعال و نکته‌سنج دارد، پیش ازین دوستی عمیق خود با طبیعت ایران را با طبع و نشر آثاری چون کتاب «تا ناکجا»<sup>۱</sup> و «Golschiane Raz گلشن راز»<sup>۲</sup>؛ و علاقه فراوانش به ادبیات سرزمین فردوسی و حافظ را با طبع اثرهایی چون واژه «داغ» در دیوان عرفی و کلیم و «مقایسه سبک شعر فارسی عهد صفوی با مکتب باروک اروپا»<sup>۳</sup> نشان داده است.

جزوه حاضر که به بررسی آماری-تطبیقی واژه «آئینه» در دیوان فرخی، سعدی و حافظ اختصاص یافته، پژوهش آقای پرفسور زیپولی بمناسبت هشتصدمین سالگرد ولادت شیخ اجل سعدیست. وی که بنا بدعوت کمیسیون ملی یونسکو در مجلس بزرگداشت آن امیر سخن (شیراز - آذرماه ۱۳۶۳) حضور یافت، مقاله خود را که تا آن وقت ناتمام مانده بود قرائت نکرد، بلکه اندکی پس از پایان آن مراسم بوسیله این بنده در اختیار دبیرخانه یونسکو قرار داد تا در مجموعه «ذکر جمیل سعدی» طبع رسد. یکسال بعد، هنگامیکه چند نسخه مطبوع آن بدست نگارنده رسید تا برای مؤلف محترم بفرستد با کمال تأسف در یافت که بخشی عمده و مهم از آن پژوهش ارزشمند که همانا ارقام و آمار آن مقاله بود، - بزعم آنکه ارقام و اعداد چه جایی و فایده‌یی در یک تحقیق ادبی می‌تواند داشته باشد - حذف شده‌است. این نقیصه که ارزش و اعتبار تمامی مقاله را مخدوش ساخت سبب شد تا آن دوست مهربان و صبور تجدید طبع کامل و جامع پژوهش خود را ازین همکار ارادتمندش خواستار شود و نگارنده به پاس حق‌شناسی و به منظور سپاسگزاری از آن مؤلف محترم و همه کسانی که چون او همت خویش را مصروف اعتلای زبان و فرهنگ ایرانزمین می‌دارند، این طبع تازه را - بدون هیچگونه دخل و تصرفی - بانجام رساند تا آنانکه مجموعه «ذکر جمیل سعدی» را دارند بتوانند صورت کامل و صحیح مقاله آقای زیپولی را با طبع ناقص آن جایگزین سازند. توفیق روزافزون آن دوست دانشمند خود را از آفریدگار دانای توانا بارزو خواستارست.

تهران - ۲۰ تیرماه ۱۳۶۶ خورشیدی

سیدمحمد قزایی

---

۱- عکاسی‌های ریکاردو زیپولی با اشعار علی موسوی گرمارودی، انجمن فرهنگی ایتالیا، تهران ۱۳۶۳.

۲- این کتاب که مجموعه‌یی از عکسهای برداشته‌شده از طبیعت زیبای ایران و برخی از اثرهای باستانیست با همکاری آقای پرفسور جان ربرتو اسکارجیا استاد دانشمند و بنیانگذار بخش ایرانشناسی دانشگاه ونیز ایتالیا و آقای پرفسور ریکاردو زیپولی شاگرد و همکار وفادارش تهیه و در شهر میلان ایتالیا بسال ۱۹۷۶ مسیحی بطرزی نفیس طبع شده است.

۳- چاپ انجمن فرهنگی ایتالیا، بخش باستانشناسی، تهران ۱۳۶۳.

بنا به دعوت کمیسیون ملی یونسکو در ایران، افتخار حضور در مراسمی را داشتم که بنا به مناسبت هشتصدمین سال تولد شیخ اجل سعدی در شیراز «آذرماه/۱۳۶۳» برپا شد، وظیفه خود می‌دانم بدو تشکرات فراوانم را به برگزارکنندگان آن مراسم شکوهمند تقدیم کنم و در ثانی از اینکه بعزت گرفتاریهایی موفق نشدم عرایضم را تقدیم حضور شرکت‌کنندگان در آن مراسم نمایم پوزش بخواهم و با تأخیری که امیدوارم موجه تلقی فرمایند متن گفتار خود را به صورت مقاله‌ای به محضر ادبای ارجمند، همکاران گرامی هدیه می‌نمایم. چون این مقاله در مجموعه «ذکر جمیل سعدی» ناقص و همراه با کاستی‌هایی به چاپ رسید اینک بطبع کامل آن و بطور مستقل مبادرت شده است.

**ریکاردو زیپولی**

## مقدمه

غزل با سعدی به اولین مرحله شیوه کلاسیک خود می‌رسد. این عقیده به وسیله اکثر متخصصان ادبیات فارسی ابراز شده و به طرق مختلف مستند گردیده است. تا آنجا که به جنبه تکنیکی آن مربوط می‌شود، به عنوان مثال، می‌توان یادآوری کرد که تعیین طرز استعمال تخلص در غزل به استاد شیرازی نسبت داده شده و این طرز بعد از سعدی همیشه همراه شکل غزل می‌شود. ولی کیفیتی که در آثار سعدی بیشتر مورد دقت و ستایش قرار گرفته مربوط به زبان شعری او یعنی همان سهل ممتنع است که با وجود نهایت سادگی چندان غیرقابل دسترس است که نه تنها ترجمه نشدنی بلکه حتی توصیف ناپذیر باقی می‌ماند. کسان بسیاری درباره این سهل ممتنع صحبت کرده‌اند ولی به ندرت کوششی موفقیت‌آمیز در تجزیه و تحلیل آن به عمل آمده و معمولاً فقط به یک هماهنگی فوق‌العاده بین فرم و محتوی اشاره شده است. به نظر می‌رسد که اکثر ادبا و شعرا ترجیح می‌دهند زبان سحرانگیز او را مورد قرائت قرار داده و از آن لذت ببرند بدون اینکه آن را تابع تجزیه و تحلیل قرار بدهند، زیرا از دیدگاه آنها مشکل می‌توان از راه پژوهش به اسرار جذابیت آن پی برد.

در حقیقت اولین نمونه‌ها از روح تازه غزل بوسیله سعدی بیان می‌گردد یعنی در شعر سعدی همان تغزل به وجود می‌آید که در آن توصیف شراب و عشق و بهار با هم تلفیق شده تا پیامی اظهار شود که، در یک واحد جدانشدنی هم بر تجربه خاکی و هم بر تجربه روحی شاعر دلالت کرده و اندیشه شاعر را نه فقط درباره این جهان یا آن جهان دیگر، بلکه در مورد هر دو جهان، یعنی در مورد کل مسائل زندگی، ابراز می‌دارد.

در مقابل این چنین مؤلفی، انتقادهای سنتی، شاید از روی احترام و شاید به علت ناتوانی و ضعف، کم و بیش فقط در یک حد عمومی بیان شده و بارها ستایشهای غیرعلمی جای بررسیهای تخصصی را گرفته است. در حقیقت مطالعات قابل توجه به خصوصیات اخلاقی و روحی سعدی اختصاص داده شده و کمتر بحث تحقیقی درباره زبان شعری او مشاهده می‌شود. بطور کلی می‌شود گفت که تا به حال بیشتر راجع به محتویات و نه راجع به فرم سبک شعر سعدی کار شده است. شاید از همین جهت است

که توجه منتقدین بیشتر روی گلستان و بوستان و قصاید شاعر شیرازی تمرکز پیدا کرده و غزلهای سعدی، که از او می‌توان به‌عنوان یکی از بنیانگذاران و مؤسسان این شکل شعری یاد کرد، تقریباً مورد سهل‌انگاری و چشم‌پوشی قرار گرفته است. لذا به منظور تعظیم در مقابل این‌گونه اشعار استاد شیرازی، در این مقاله مختصر به خواندن چند بیت استخراج شده از غزلهای وی با شیوه‌ای که بخصوص در مقابل منتقدین سنتی می‌تواند تحریک‌آمیز، بحث‌انگیز و نمایانگر يك شیوه نو تحقیقی باشد می‌پردازیم. در این بررسی برآنیم که ابیات را با روش غیرمعمول، یعنی بر اساس برخی جدولهای تکنیکی بخوانیم، تا ببینیم که، آیا به این طریق امکان دارد در زمینه سبك سعدی نظرهای تازه‌ای بدست آورد یا نه. البته مقاله ارائه شده عاری از نقصان نیست و نیز نمی‌تواند متن نهایی و کاملی باشد، زیرا تنها برخی مواد بطور اختصار در اختیار خوانندگان قرار داده شده و تنها فرضیه‌هایی بر اساس تجربه پیشنهاد گردیده است. مواد و فرضیه‌هایی که هدف آنها تنها پراگندختن نظریه‌ها و نقدها نیست، زیرا که هیچ‌گونه ادعای اظهار نظر قطعی در این موضوع نداریم. با وجود این برای ترسیم يك چهارچوب کاملتر و برای دادن بعضی نکته‌های مستند و ملاکهای معتبر و قابل قیاس، یعنی برای ترسیم يك تصویر درست و کاملاً دقیق از آثار سعدی در طول تکامل تدریجی غزل، تصمیم گرفتیم برخی از ابیات قصاید فرخی و غزلهای حافظ را بر پایه همان تجزیه و تحلیل مورد بررسی قرار دهیم، که البته انتخاب ما در مورد اشعار فرخی و حافظ براساس همان اصول و قواعدی است که در مورد اشعار سعدی بعمل آمده و بعداً ذکر خواهد شد.

در حقیقت شعر فرخی بعضی از جنبه‌های سبکی موجود در شعر قبل از سعدی را و شعر حافظ گسترشهای راه آغاز شده به وسیله شاعر ما (سعدی) را به‌نمایش می‌گذارد. (دیوانهای مورد استفاده بترتیب زیر می‌باشند: دیوان فرخی به تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۴۹، چاپ دوم. دیوان سعدی به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، ۱۳۶۳. دیوان حافظ به تصحیح پرویز ناتل خانلری، تهران، ۱۳۵۹).

با توجه به تمام مسائل ذکر شده در بالا، به این تکلیف پرداختیم که از قصاید فرخی و غزلهای سعدی و حافظ تمام ابیاتی را که در آنها يك کلمه معین (از قبیل گل یا بلبل یا داغ و غیره) وجود دارد استخراج کرده و بعداً تمامی این ابیات را تحت يك قرائت فرمول‌بندی شده قرار دهیم، یعنی آنها را بوسیله يك جدول تکنیکی بخوانیم که ساخت آن در سطور زیر شرح داده خواهد شد. بعد از کمی مطالعه و تأمل به این نتیجه رسیدیم که: ابیاتی که کلمه «آینه» را دربر می‌گیرد برای تحقیق و بررسی ما می‌تواند مناسب باشد. بنابراین تمامی این ابیات را از متون جدا کرده و همه آنها را در يك جا نوشتیم. با این روش در دیوان فرخی ۱۱، در دیوان سعدی ۲۸ و در دیوان حافظ ۴۰ بیت که کلمه آینه در آنها موجود است پیدا کردیم. با توجه به تعداد کل ابیات دیوان‌های سه شاعر روشن می‌شود که لااقل از نقطه نظر کمیت، حافظ برای آینه نسبت به سعدی و مخصوصاً نسبت به فرخی توجه بیشتری نشان داده است. بعد از اینکه



چندین بار این ابیات را مرور کردیم، متوجه شدیم که به چه صورتی می‌توانیم جدولی تکنیکی برای خواندن این‌گونه ابیات بسازیم، جدولی که در آخر دربرگیرنده سه سؤال می‌باشد که به این سؤالات از روی موضوعات موجود در هر تك بیت پاسخ داده خواهد شد. (با توجه به فشرده بودن این پاسخها بهتر است که هنگام خواندن آنها به ابیات مربوط رجوع شود). سؤالات به ترتیب زیر می‌باشد:

(۱) چه چیز با آئینه مقایسه می‌شود؟

(۲) سؤال دوم به سه شاخه تقسیم می‌گردد:

(الف) چه عناصری نما و کالبد مادی آئینه را مشخص می‌کند؟

(ب) با چه صفات و اسامی آئینه توصیف می‌گردد؟

(ج) کدام اسامی قبل از ذکر کلمه آئینه ذکر شده که توسط اضافه به کلمه آئینه متصل می‌شود؟

(۳) بر آئینه چه اتفاقی می‌افتد و عمل‌کرد اصلی آن چیست؟

در رابطه با این جدول توضیحات زیر در نظر گرفته شده است:

(۱) تا آنجا که به سؤال شماره ۱ مربوط می‌شود:

(الف) پاسخ ما از روی تشبیهات، استعارات و ارسال مثلها داده می‌شود.

(ب) هنگامیکه کلمه آئینه توسط کسره اضافه به اسمی متصل هست و این «اضافه» می‌تواند به عنوان اضافه استعاری درک گردد، اسم مورد نظر «مضاف‌الیه» پیوسته همچون استعاره آئینه حساب می‌شود (سعدی ۱/۶۱۶).

(ج) مشابه و مستعار له باید همیشه ذکر بشود و برای رسیدن به این هدف در صورت لزوم تمامی غزلی که بیت مورد نظر را در بر می‌گیرد خوانده می‌شود (فرخی ۱/۴).

(د) در مواردی که مطمئن نیستیم، کلمات پاسخ شماره ۱ را در داخل پرانتز قرار می‌دهیم (سعدی ۱۸/۴۴۲).

(ه) ضمایر همیشه به اسامی مربوط تبدیل می‌شود، بطور قراردادی ضمایر اول شخص پیوسته به شخص شاعر نسبت داده شده و به جای «من» و «ما» پیوسته «شاعر» خواهیم نوشت (فرخی ۸/۲۰۸). و ضمایر دوم شخص به معشوق نسبت داده شده و به جای «تو» پیوسته «معشوق» خواهیم نوشت (حافظ ۲/۷۰). به استثنای آن مواردی که این ضمایر دوم شخص به خود شاعر (سعدی ۸/۵۰۳) یا به يك مخاطب عمومی (فرخی ۱۱/۳۸۵) مربوط می‌شود.

(و) شیء مقایسه‌شده با آئینه (تشبیه، استعاره، یا ارسال مثل مربوط) اگر جنبه منفی داشته باشد باز هم مورد ملاحظه قرار گرفته و در جدول ما درج می‌گردد (حافظ ۲/۳۳۷).

(ز) در رابطه با تعبیر و تفسیر جدولها، کلمه «آئینه‌دار» (که فقط در اشعار حافظ موجود می‌باشد) یکسان با آئینه مورد نظر قرار گرفته است. این کلمه «کسی که آئینه در دست دارد» معنی می‌دهد، ولی پیشنهاد ما بر این بنیان است که تمامی آئینه‌داران در ابیات حافظ به صورت اشیاء مدور مثل آئینه است (خورشید، ۱/۴۰۰، ماه ۴/۳۰، چشم،

دیده ۶۰/۱، ۱۰۱/۵) که این اشیاء معمولاً با آئینه مقایسه می‌شود. علاوه بر این «آئینه‌دار» می‌تواند اشاره به چیزی (از قبیل صندوق، جعبه، یا غیره) باشد که آئینه در آن جا می‌گیرد و بنابراین به معنی و عملکرد خود آئینه نزدیک می‌باشد، به هر حال وجود این چنین اسمها در پاسخهای سؤال شماره ۱ مشخص می‌گردد.

(۲) تا آنجا که مربوط به سؤال شماره ۳ می‌شود:

الف) عملی که از طرف شاعر به صورت فرضی یا شرطی یا با شك بیان گردیده از نظر ما حتمی می‌باشد و در جدول درج می‌گردد. (سعدی ۴۶۳/۳).

(۳) در صورتیکه برای پاسخگویی به سؤالی با کمبود عناصر مناسب رویرو گردیم یعنی پاسخ غیزمکن باشد بعد از شماره مربوط يك خط تیره گذاشته می‌شود (حافظ ۵۰/۱۰).

(۴) در پاسخگویی به سؤالات شماره ۱ و ۲ با همان کلمات استعمال شده در متن جواب داده می‌شود، درحالیکه پاسخگویی به سؤال شماره ۳ بطور آزادانه انجام گرفته و سعی می‌شود در پاسخهای مشابه کلمات و جملاتی که بیشتر شباهت بین آنها وجود دارد بکار برده شود.

علاوه بر این تجزیه فرمول‌بندی‌شده، باز هم از دیدگاه قرائت تکنیکی ما به تنظیم دو فهرست از تمامی کلماتی که در ابیات مورد نظر جریان دارد اقدام کردیم. در این دو فهرست هم کلمات باصطلاح Plein (پر) یعنی آنهایی که از نظر معنا غنی‌تر هست (که در مورد خاص ما به ترتیب زیر می‌باشند: اسمها، صفات کیفی، افعال باستانای بایسن، شایستن، توانستن. در ترکیبات مانند توان رفت؛ بودن، وجوه: ام، ای، است/هست، ایم، اید، اند؛ داشتن، خواستن. در ترکیبات زمان آینده، «کردن» مانند: نگاه کردن، شدن، و گشتن، به شرطی که معنی رفتن و گردش کردن نداشته باشد) و هم کلمات به اصطلاح Vide (خالی) یعنی آنهایی که از نظر معنا کمتر غنی هست (که در مورد خاص ما بدین ترتیب می‌باشند: ضمائر، حروف ربط، حروف اضافه، قیود، یای وحدت و یای اشارت، صفات غیرکیفی) گنجانده شده و مورد دقت و ملاحظه قرار می‌گیرد. فهرست اول کلمات بترتیب الفبایی تنظیم گردیده، در این فهرست مشخصات تمامی ابیاتی (شماره صفحه برای اشعار فرخی و سعدی و شماره غزل برای اشعار حافظ همراه با شماره بیت در صفحه یا در غزل مورد نظر) که در آنها تك تك کلمات جریان دارد معرفی می‌شود. فهرست دوم کلمات برحسب کاهش بسامدی آنها تنظیم شده است. در دو فهرست مذکور کلمات با وجه قراردادی ذکر خواهد گردید: مصدر برای افعال، وجه مفرد برای اسماء، وجه مثبت برای صفات، وجه کامل مانند «ماه، اگر، از» و غیره در مواردی از قبیل «مه، گر، از، ز» و غیره. وجوه افعالی ام، ای، است، ایم، اید، اند و همچنین ضمائر «ام، ات، اش، امان، اتان، اشان» هر یکی به طور جداگانه حساب و فهرست می‌گردد. لزوماً متذکر می‌شویم که فقط افعالی که حروف اضافه «در» و «بر» بعنوان پیشوند بر آنها مقدم است، از قبیل افعال مرکب و بصورت کلمات مفرد فهرست شده است.

در نتیجه ترتیب مقاله ما به این صورت خواهد بود: در ابتدا تمامی ابیات متعلق به فرخی بدنبال آنها جدولها و فهرستهای مربوط، بعداً ابیات سعدی و حافظ آمده که به دنبال آنها جدولها و فهرستهای مربوط تنظیم و معرفی می‌شود. بعد از این، دو جدول دیگر یکی برای ابیات سعدی و یکی برای ابیات حافظ همراه با توضیحات لازم می‌آید که «جدولهای آماری واژه‌ها و کلمات» نامیده شده است.

با مطالعه مختصری درباره موضوعات جمع‌آوری شده به این مقاله پایان خواهیم داد. در خاتمه ذکر این نکته ضروری بنظر می‌رسد، که با توجه به «جدولهای آماری واژه‌ها و کلمات» تصمیم گرفتیم وجوه مجرد ثبت شده در فهرست الفبایی و در فهرست پسمادی (از قبیل دادن، زیبا و غیره) «واژه»، و وجوه تصریفی مختلف این واژه‌ها که در ابیات پیدا می‌شود (از قبیل: دادن، می‌دهم، دادی و غیره در رابطه با واژه دادن؛ زیبا و زیباتر و زیباترین در رابطه با واژه زیبا؛ کسی و کسان در رابطه با واژه کسی و غیره) «کلمات» خوانده بشود.

در این مقاله سعی شده است تا به روشی ساده و قابل فهم، به بررسی و تحلیل ابیات و واژه‌ها و کلمات در شعر فارسی پرداخته شود. امید است که این مقاله بتواند به نوعی به شناخت بیشتر شعر فارسی و به ویژه شعر کلاسیک فارسی کمک کند.

این مقاله به مناسبت روز بزرگداشت استاد دکتر سید محمد تقی میر، دانشمند بزرگ و شاعر نامدار ایران، تقدیم می‌گردد.

نویسنده: دکتر سید محمد تقی میر، دانشمند بزرگ و شاعر نامدار ایران، تقدیم می‌گردد.

این مقاله به مناسبت روز بزرگداشت استاد دکتر سید محمد تقی میر، دانشمند بزرگ و شاعر نامدار ایران، تقدیم می‌گردد.

نویسنده: دکتر سید محمد تقی میر، دانشمند بزرگ و شاعر نامدار ایران، تقدیم می‌گردد.

این مقاله به مناسبت روز بزرگداشت استاد دکتر سید محمد تقی میر، دانشمند بزرگ و شاعر نامدار ایران، تقدیم می‌گردد.

نویسنده: دکتر سید محمد تقی میر، دانشمند بزرگ و شاعر نامدار ایران، تقدیم می‌گردد.

این مقاله به مناسبت روز بزرگداشت استاد دکتر سید محمد تقی میر، دانشمند بزرگ و شاعر نامدار ایران، تقدیم می‌گردد.

نویسنده: دکتر سید محمد تقی میر، دانشمند بزرگ و شاعر نامدار ایران، تقدیم می‌گردد.

این مقاله به مناسبت روز بزرگداشت استاد دکتر سید محمد تقی میر، دانشمند بزرگ و شاعر نامدار ایران، تقدیم می‌گردد.

نویسنده: دکتر سید محمد تقی میر، دانشمند بزرگ و شاعر نامدار ایران، تقدیم می‌گردد.

این مقاله به مناسبت روز بزرگداشت استاد دکتر سید محمد تقی میر، دانشمند بزرگ و شاعر نامدار ایران، تقدیم می‌گردد.

نویسنده: دکتر سید محمد تقی میر، دانشمند بزرگ و شاعر نامدار ایران، تقدیم می‌گردد.

## ایات فرخی سیستانی

تو گفتی گرد زنگار است بر آینه چینی	تو گفتی موی سنجابست بر پیروزه گوندیبا (۱/۴)
کمی چون آینه چینی نماید ماه دو هفته	کمی چون مهره سیمین نماید زهره زهرا (۳/۲)
چو پشته پشته شد از کشته پیش روی امیر	فراخ دشتی چون روی آینه هموار (۱۰۳/۱۴)
به یادکردنش بتوان زدود از دل غم	به مصله بتوان برد ز آینه زنگار (۱۵۹/۲)
دلّم به عشق تو در سختی و عنا خو کرد	چنانکه آینه زنگ خورده اندر زنگ (۲۰۸/۸)
آب گویی که آینه رومیست	بر سرش برگ چون بر آینه زنگ (۲۱۰/۹)
آنکه دو دست راد او بزدود	ز آینه رادی و بزرگی زنگ (۲۱۰/۱۴)
همی بنفشه دمد گرد روی آن سرهنگ	همی به آینه چینی اندر آید زنگ (۲۱۱/۱۴)
در آفتاب رو و درنگر به سایه خویش	در آینه نگر و روی خوب خویش ببین (۲۹۳/۱۱)
اگر ز طبعش بودی هوا نگشتی ز ابر	چو روی آینه کرده اندر آینه آه (۳۵۶/۱۶)
چو دل به خدمت او دادی و ترا پذیرفت	ز خدمت دگران دل چو آینه بزدای (۳۸۵/۱۱)



## جدولهای ایات فرخی

آن برکهائی باشد به آن تشبیه میشود	۱/۴
۲۱۰/۱۴	(۱) آسمان
(۱) رادی - بزرگی	(۲) الف) گرد - زنگار. (ب) چینی
(۲) الف) زنگ	(۳) آئینه زنگ خورده است و آسمان ابری
(۲) آئینه زنگ خورده زدوده میشود و رفتار کریم امیر را به این گونه توصیف میکند	به آن تشبیه میشود
۲۱۱/۱۴	۳/۲
(۱) روی سرهنگ	(۱) ماه دو هفته
(۲) الف) زنگ (ب) چینی	(۲) (ب) چینی
(۳) آئینه زنگ خورده میشود و روی معشوقی که بر آن خط باشد به آن تشبیه میشود	(۳) ماه دو هفته به آئینه تشبیه میشود
۲۹۲/۱۱	۱۰۳/۱۴
(۱) -	(۱) فراخ دشت
(۲) -	(۲) (ب) هموار
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند	(۳) آئینه هموار است و دشت به آن تشبیه میشود
۳۵۶/۱۶	۱۵۹/۲
(۱) هوا	(۱) دل
(۲) الف) آه	(۲) الف) مصقله - زنگار
(۳) آه بر آئینه به وجود میآید، هوای ابری به آن آئینه تشبیه میشود و طبع امیر به این گونه توصیف میشود	(۳) آئینه زنگ خورده با مصقله پاک میشود و موقعیت دل غمزده را به این گونه توصیف میکند
۳۸۵/۱۱	۲۰۸/۸
(۱) دل	(۱) دل شاعر
(۲) -	(۲) الف) زنگ (ب) رنگ خورده
(۳) آئینه زدوده میشود و موقعیت دلی که در خدمت شاه باشد را به این گونه توصیف میکند	(۳) آئینه زنگ خورده به زنگ عادت دارد و موقعیت دل رنجیده شاعر را به آن گونه توصیف می کند.
۲۱۰/۹	۲۱۰/۹
(۱) آب	(۱) آب
(۲) الف) زنگ. (ب) زومی	(۲) الف) زنگ. (ب) زومی
(۳) آئینه زنگ خورده است و آبی که روی	(۳) آئینه زنگ خورده است و آبی که روی

## فهرست الفبایی واژه‌های ابیات فرخی (۲۱ بیت)

۱۰۲ - ۳۵۶/۱۶

ب آئینه ۱۰۳/۱۴ - ۱۵۹/۲ - ۳/۲ - ۱/۴  
 - ۲۱۰/۹ - ۲۱۰/۹ - ۲۰۸/۸  
 - ۲۹۳/۱۱ - ۲۱۱/۱۴ - ۲۱۰/۱۴  
 ۳۸۵/۱۱ - ۳۵۶/۱۶ - ۳۵۶/۱۶

بر (حرف اضافه) ۱/۴ - ۱/۴ - ۱/۴ - ۱/۹  
 ۲۱۰/۹ - ۲۱۰

۱۵۹/۲ بردن

آب ۲۱۰/۹

۲۱۰/۹ برگ

آفتاب ۲۹۳/۱۱

۲۱۰/۱۴ بزرگی

آمدن ۲۱۱/۱۴

۲۱۱/۱۴ بنفشه

آن ۲۱۱/۱۴ - ۲۱۰/۱۴

۳۵۶/۱۶ بودن

آه ۳۵۶/۱۶

به ۲۰۸/۸ - ۱۵۹/۲ - ۱۵۹/۲  
 ۳۸۵/۱۱ - ۲۹۳/۱۱ - ۲۱۱/۱۴

الف

پ

ابر ۳۵۶/۱۶

از ۱۰۳/۱۴ - ۱۵۹/۲ - ۱۵۹/۲  
 - ۳۵۶/۱۶ - ۳۵۶/۱۶ - ۲۱۰/۱۶

۳۸۵/۱۱ پذیرفتن

۳۸۵/۱۱

۱۰۳/۱۴ پشته پشته

است ۲۱۰/۹ - ۱/۴ - ۱/۴

۱/۴ پیروزه‌گون

اش ۳۵۶/۱۶ - ۲۱۰/۹ - ۱۵۹/۲

۱۰۳/۱۴ پیشین

اگر ۳۵۶/۱۶

ت

ام (ضمیر) ۲۰۸/۸

امیر ۱۰۳/۱۴

تو ۲۰۸/۸ - ۱/۴ - ۱/۴ - ۱/۱۱

اندر ۳۵۶/۱۶ - ۲۱۱/۱۴ - ۲۰۸/۸

۳۸۵

او ۳۸۵/۱۱ - ۲۱۰/۱۴

ای (یای وحدت) ۳/۲ - ۳/۲ - ۱/۱۴ توانستن ۱۵۹/۲ - ۱۵۹/۲

رادی ۲۱۰/۱۴  
 رفتن ۲۹۳/۱۱  
 رومی ۲۱۰/۹  
 روی (اسم) ۱۰۳/۱۴ - ۱۰۳/۱۴  
 ۲۵۶/۱۶ - ۲۹۳/۱۱ - ۲۱۱/۱۴

ز

زدودن ۳۸۵/۱۱ - ۲۱۰/۱۴ - ۱۵۹/۲  
 زنگ ۲۱۰/۱۴ - ۲۱۰/۹ - ۲۰۸/۸  
 ۲۱۱/۱۴  
 زنگار ۱۵۹/۲ - ۱/۴  
 زنگ خورده ۲۰۸/۸  
 زهرا ۳/۲  
 زهره ۳/۲

س

سایه ۲۹۳/۱۱  
 سختی ۲۰۸/۸  
 سر ۲۱۰/۹  
 سرهنگ ۲۱۱/۱۴  
 سنجاب ۱/۴  
 سیمین ۳/۲

ش

شدن ۱۰۳/۱۴

ط

طبع ۲۵۶/۱۶

چ

چنان ۲۰۸/۸  
 چون ۳/۲ - ۳/۲ - ۱۰۳/۱۴ - ۱۰۳/۱۴  
 - ۲۵۶/۱۶ - ۲۱۰/۹ - ۲۵۶/۱۶  
 ۳۸۵/۱۱ - ۳۸۵/۱۱  
 چینی ۲۱۱/۱۴ - ۳/۲ - ۱/۴

خ

خدمت ۳۸۵/۱۱ - ۳۸۵/۱۱  
 خوب ۲۹۳/۱۱  
 خوی ۲۰۸/۸  
 خویش ۲۹۳/۱۱ - ۲۹۳/۱۱

د

داندن ۳۸۵/۱۱  
 در (حرف اضافه) ۲۰۸/۸ - ۲۹۳/۱۱  
 ۲۹۳/۱۱  
 درنگریستن ۲۹۳/۱۱  
 دست ۲۱۰/۱۴  
 دشت ۱۰۳/۱۴  
 دل ۳۸۵/۱۱ - ۲۰۸/۸ - ۱۵۹/۲  
 ۳۸۵/۱۱  
 دمیدن ۲۱۱/۱۴  
 دو ۲۱۰/۱۴ - ۳/۲  
 دیبا ۱/۴  
 دیدن ۲۹۳/۱۱  
 دیگر ۳۸۵/۱۱

ر

راد ۲۱۰/۱۴



ع

عشق ۲۰۸/۸

عنا ۲۰۸/۸

غ

غم ۱۵۹/۲

ف

فراخ ۱۰۳/۱۴

ک

کرد ۱۵۹/۲

کردن ۲۰۸/۸ - ۳۵۶/۱۶

کشتن ۱۰۳/۱۴

که (ضمیر) ۲۱۰/۱۴

که (حرف ربط) ۲۰۸/۸ - ۲۱۰/۹

گ

گاه ۳/۲ - ۳/۲

گرد (بفتح کاف) ۱/۴

گرد (به کسر کاف) ۲۱۱/۱۴

گشتن ۳۵۶/۱۶

گفتن ۲۱۰/۹ - ۱/۴ - ۱/۴

م

ماه ۳/۲

مصقله ۱۵۹/۲

موی ۱/۴

مهره ۳/۲

ن

نگریستن ۲۹۳/۱۱

نمودن ۳/۲ - ۳/۲

ن ۳۵۶/۱۶

و

و ۲۰۸/۸ - ۲۱۰/۱۴ - ۲۹۳/۱۱

۲۸۵/۱۱ - ۲۹۳/۱۱

ه

هفته ۳/۲ - ۳/۲

هموار ۱۰۳/۱۴

همی ۲۱۱/۱۴ - ۲۱۱/۱۴

هوا ۳۵۶/۱۶

ی

یاد ۱۵۹/۲

## فهرست بسامدی واژه‌های آیات فرخی (تعداد آیات ۱۱)

۱- آئینه	۱۲- کردن	۲- آ
۲- چون	۲۷- که (حرف ربط)	۱- ا
۳- از	۲۸- گاه	۲- ا
۴- به	۲۹- نمودن	۲- ا
۵- روی (اسم)	۳۰- می	۲- ا
۶- و	۳۱- آب	۱- ا
۷- بر (حرف اضافه)	۳۲- آفتاب	۱- ا
۸- تو	۳۳- آمدن	۱- ا
۹- دل	۳۴- آه	۱- ا
۱۰- زنگ	۳۵- ابر	۱- ا
۱۱- ای (یای وحدت)	۳۶- اگر	۱- ا
۱۲- است	۳۷- ام (ضمیر)	۱- ا
۱۳- اش	۳۸- امیر	۱- ا
۱۴- اندر	۳۹- بردن	۱- ا
۱۵- چینی	۴۰- برگ	۱- ا
۱۶- در (حرف اضافه)	۴۱- بزرگی	۱- ا
۱۷- زدودن	۴۲- بنفشه	۱- ا
۱۸- گفتن	۴۳- بودن	۱- ا
۱۹- آن	۴۴- پذیرفتن	۱- ا
۲۰- او	۴۵- پشته پشته	۱- ا
۲۱- توانستن	۴۶- پیروزه گون	۱- ا
۲۲- خدمت	۴۷- پیش	۱- ا
۲۳- خویش	۴۸- چنان	۱- ا
۲۴- دو	۴۹- خوب	۱- ا
۲۵- زنگار	۵۰- خوی	۱- ا

۱	۷۳- طبع	۱	۵۱- دادن
۱	۷۴- عشق	۱	۵۲- درنگریستن
۱	۷۵- عنا	۱	۵۳- دست
۱	۷۶- غم	۱	۵۴- دشت
۱	۷۷- فراخ	۱	۵۵- دیدن
۱	۷۸- کرد	۱	۵۶- دیبا
۱	۷۹- کشتن	۱	۵۷- دیدن
۱	۸۰- که (ضمیر)	۱	۵۸- دیگر
۱	۸۱- گرد (بفتح گاف)	۱	۵۹- راد
۱	۸۲- گرد (به کسر گاف)	۱	۶۰- رادی
۱	۸۳- کشتن	۱	۶۱- رفتن
۱	۸۴- ماه	۱	۶۲- رومی
۱	۸۵- مصقله	۱	۶۳- زنگار خورده
۱	۸۶- موی	۱	۶۴- زهرا
۱	۸۷- مهره	۱	۶۵- زهره
۱	۸۸- نگریستن	۱	۶۶- سایه
۱	۸۹- نه	۱	۶۷- سختی
۱	۹۰- هفته	۱	۶۸- سر
۱	۹۱- هموار	۱	۶۹- سرهنگ
۱	۹۲- هوا	۱	۷۰- سنجاب
۱	۹۳- یاد	۱	۷۱- سیمین
		۱	۷۲- شدن

## ابیات سعدی شیرازی

روی تو خوش می‌نماید آینه ما	کاینه پاکیزه است و روی تو زیبا (۴۴۲/۱۸)
ترا در آینه دیدن جمال طلعت خویش	بیان کند که چه بودست ناشکیبا را (۴۴۳/۹)
باور از مات نباشد تو در آینه نگه کن	تا بدانی که چه بودست گرفتار بلا را (۴۴۴/۱۶)
جرم بیگانه نباشد که تو خود صورت خویش	گر در آینه ببینی برود دل ز یرت (۴۶۳/۳)
سر قلم قدرت بی چون الهی	در روی تو چون روی در آینه پدیدست (۴۸۱/۶)
آینه‌ای پیش آفتاب نهادست	بر در آن خیمه یا شعاع جبینست (۴۹۶/۴)
سعدی حجاب نیست تو آینه پاک دار	زنگارخورده چون بنماید جمال دوست (۵۰۳/۸)
شاهد مارا نه هرچشمی چنان بیند که هست	صنعا را آینه‌ای باید که بروی زنگ نیست (۵۱۵/۱۳)
آینه‌ای طلب کن تا روی خود ببینی	وز حسن خود بماند انگشت در دهانت (۵۳۱/۴)
کمال حسن وجودت بوصف راست نیاید	مگر هم آینه گوید چنانکه هست حکایت (۵۳۲/۱۵)
دیگری نیست که مهر تو در او شاید بست	هم در آینه توان دید مگر هم‌تایت (۵۳۳/۵)
تو در آینه نگه کن که چه دلبری، ولیکن	تو که خویشتن ببینی نظرت بما نباشد (۵۵۵/۱۴)
دل آینه صورت غیبست ولیکن	شرطست که بر آینه زنگار نباشد (۵۵۹/۳)

- که در آفاق چنین روی دگر نتوان دید    یا مگر آینه در پیش جمالش دارند  
(۵۷۵/۱۵)
- حاجت صحرا نبود آینه هست    گر نگارستان تماشا می‌کند  
(۵۸۱/۴)
- زانکه هرگز به جمال تو در آینه وهم    متصور نشود صورت و بالای دگر  
(۶۱۶/۱)
- شاهد آینه‌ست و هر کس را که شکلی خوب نیست    کیو نگار بسیار در آینه روشن مکن  
(۷۱۴/۹)
- چرخ شنید ناله‌ام گفت منال سعدیا    گاه تو تیره می‌کند آینه جمال من  
(۷۱۶/۷)
- ای رخ چون آینه افروخته    الحذر از آه من سوخته  
(۷۲۶/۱)
- پرده بردار که بیگانه خود این روی نبیند    تو بزرگی و در آینه کوچک نمایی  
(۷۳۵/۱۶)
- گسرت کسی بپرستد ملامتش نکنم من    تو هم در آینه بنگر که خویشتن پرستی  
(۷۴۵/۱۵)
- مگر در آینه بینی و گرنه در آفاق    به هیچ خلق مپندارم که مانندی  
(۷۵۴/۹)
- بخت آینه ندارم که درو می‌نگری    خاک بازار نیزم که برو می‌گذری  
(۷۵۹/۶)
- گر تو در آینه تأمل کنی    صورت خود باز بما ننگری  
(۷۶۰/۱۳)
- آینه را تو داده‌ای پرتو روی خویشتن    ورنه چه زهره داشتی در نظرت برابری  
(۷۶۳/۱)
- زانکه آینه‌ای بدین خوبی    حیف باشد به دست بی‌بصری  
(۷۶۵/۱۴)
- جز صورت در آینه کسی را نمی‌رسد    با صورت بدیع تو کردن برابری  
(۷۶۶/۱۵)
- گر من سخن نگویم در وصف روی و مویت    آینه‌ات بگوید پنهان که بی‌نظیری  
(۷۷۷/۱۲)
- عجب در آن نه که آفاق در تو حیرانند    تو هم در آینه حیران حسن خویشتنی  
(۷۹۵/۴)
- کسی در آینه شخصی بدین صفت بیند    کند هراینه جور و جفا و کبر و منی  
(۷۹۵/۶)

ی که هرگز ندیده‌ای به جمال	جز در آئینه مثل خویشتنی
(۷۹۶/۱)	
گر در آفاق بگردی بجز آئینه ترا	صورتی کس ننماید که بدو می‌مانی
(۸۰۱/۱۶)	
کرت در آینه سیمای خویش دل ببرد	چو من شوی و به درمان خویش درمانی
(۸۰۳/۹)	
ایمن مشو که رویت آئینه‌ایست روشن	تا کی چنین بماند وز هر کناره آمی
(۸۱۵/۱۳)	
آینه گر عکس او زدوده ببیند	از دل سنگش هزار آه برآید
(۸۶۳/۱)	
آخر ای آئینه جوهر، دیده‌ای بر خود گمار	صورت حق چند پوشی در پی زنگار دل
(۱۰۱۵/۱۶)	
گرت آئینه‌ای باید که نور حق در او بینی	نبینی در همه عالم مگر سیمای درویشان
(۱۰۲۴/۶)	
تا چه شکلی تو در آینه همان خواهی دید	شاهد آئینه تست از نظر از هوش کنی
(۱۰۳۲/۷)	



## جدولهای ایات سعدی

۴۴۲/۱۸	(۳) آئینه اسرار الهی را فاش میسازد
(۱) (دل / روی / چشم) شاعر	۴۹۶/۴
(۲) ب) پاکیزه	(۱) جبین
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند	(۲) -
۴۴۳/۹	(۳) آئینه پیش آفتاب درخشان است
(۱) -	۵۰۳/۸
(۲) -	(۱) (دل / روی / چشم) شاعر
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند و سرنوشت عاشق ناشکیبا را برای معشوق به این گونه بیان میکند	(۲) الف) حجاب. ب) پاک - زنگارخورده
۴۴۴/۱۶	(۳) فقط آئینه‌ایکه زنگ نخورده باشد
(۱) -	۵۱۵/۱۳
(۲) -	(۱) چشم
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند و بلای عاشق را برای معشوق به این گونه بیان میکند	(۲) الف) زنگ
۴۶۳/۳	(۳) فقط آئینه‌ایکه زنگ نخورده باشد
(۱) -	۵۲۱/۴
(۲) -	(۱) -
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند و دل او را میبرد و او را با این جرم آشنا میسازد	(۲) -
۴۸۱/۶	(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند و معشوق از دیدن زیبایی خود متحیر میشود
(۱) روی معشوق	۵۳۲/۱۵
(۲) -	(۱) -



- (۱) -  
(۲) فقط آئینه میتواند روی معشوق را  
به طرز شایسته منعکس و وصف  
بنماید  
۵۳۳/۵  
(۱) -  
(۲) -  
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند  
و فقط به این ترتیب میتوان در دنیا  
همتای او را دید  
۵۵۵/۱۴  
(۱) -  
(۲) -  
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند  
و معشوق به گونه‌ای متوجه دلبری خود  
میشود که دیگر به شاعر نگاه نمیکند  
۵۵۹/۳  
(۱) دل  
(۲) الف (زنگار)  
(۳) فقط آئینه‌ای که زنگ نخورده باشد  
غیب را فاش میسازد  
۵۷۵/۱۵  
(۱) -  
(۲) -  
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند و  
فقط به این ترتیب میتوان در دنیا  
همتای او را دید  
۵۸۱/۴  
(۱) -  
(۲) -  
(۳) آئینه شکل زیبايان را منعکس میکند و  
شاعر را از تماشايش صبرافزار  
میسازد  
۶۱۶/۱  
(۱) وهم  
(۲) -  
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند و  
معشوق شفته خود میشود بنابراین  
نباید شیفتگان این چنین معشوقی را  
ملامت کرد  
۷۵۴/۹  
(۱) -  
(۲) -  
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند و  
(۲) -  
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند و  
معشوق شفته خود میشود بنابراین  
نباید شیفتگان این چنین معشوقی را  
ملامت کرد  
۷۱۴/۹  
(۱) (دل / روی / چشم) شاهد  
(۲) (ب) روشن  
(۳) آئینه روشن شکله را همانطور که  
آنها در حقیقت هستند منعکس میکند  
و بنابراین هر کسی که ظاهر زیبایی  
نداشته باشد بهتر است به آئینه نگاه  
نکند  
۷۱۶/۷  
(۱) (خورشید)  
(۲) الف (آه ب) تیره  
(۳) آئینه بر اثر آه تیره میشود  
۷۲۶/۱  
(۱) رخ معشوق  
(۲) الف (آه ب) افزوخته  
(۳) آئینه بر اثر آه تیره میشود  
۷۳۵/۱۶  
(۱) (روی) بیگانه  
(۲) (ب) کوچک  
(۳) آئینه كوچك نمیتواند روی بزرگ  
معشوق را منعکس بکند  
۷۴۵/۱۵  
(۱) -  
(۲) -  
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند و  
معشوق شفته خود میشود بنابراین  
نباید شیفتگان این چنین معشوقی را  
ملامت کرد  
۷۵۴/۹  
(۱) -  
(۲) -  
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند و  
معشوق شفته خود میشود بنابراین  
نباید شیفتگان این چنین معشوقی را  
ملامت کرد



۸۶۳/۱

(۱) -

(۲) الف) سنگت - آه

(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند

و اگر این تصویر زدوده باشد آئینه

از ته قلب آه میکشد

۱۰۱۵/۱۶

(۱) رفیق

(۲) الف) جوهر - زنگار

(۳) فقط آئینه‌ایکه زنگت نخورده باشد

صورت حق را فاش میسازد

۱۰۲۴/۶

(۱) سیمای درویشان

(۲) -

(۳) فقط این آئینه میتواند در دنیا نور

حق را فاش بسازد

۱۰۳۲/۷

(۱) (دل / روی / چشم) شاهد

(۲) -

(۳) این آئینه اگر عمیق به آن نگاه کنی

همه شکلهای را فاش میسازد

فهرست الفبایی واژه‌های آیات سعدی (۳۸ بیت)

۵۳۱/۴ - ۴۶۳/۳ - ۴۴۴/۱۶	ات	۴۴۲/۱۸ - ۴۴۲/۱۸ - ۹/۹	آئینه
۵۵۵/۱۴ - ۵۳۲/۵ - ۵۳۲/۱۵		۴۶۳/۳ - ۴۴۴/۱۶ - ۴۴۳	
۷۶۳/۱ - ۷۵۴/۹ - ۷۴۵/۱۵		۵۰۳/۸ - ۴۹۶/۴ - ۴۸۱/۶	
۱۲ - ۷۷۷/۱۲ - ۷۶۶/۱۵		۵۳۲/۱۵ - ۵۳۱/۴ - ۵۱۵/۱۳	
۸۰۳/۹ - ۷۷۷/۱۲ - ۷۷۷		۵۵۹/۳ - ۵۵۵/۱۴ - ۵۳۳/۵	
۱۰۲۴/۶ - ۸۱۵/۱۳		۵۸۱/۴ - ۵۷۵/۱۵ - ۵۵۹/۳	
۷۵۹/۶	ارزیدن	۷۱۴/۹ - ۷۱۴/۹ - ۶۱۶/۱	
۵۳۱/۴ - ۴۶۳/۳ - ۴۴۴/۱۶	از	۷۳۵/۱۶ - ۷۲۶/۱ - ۷۱۶/۷	
۷۶۵/۱۴ - ۷۲۶/۱ - ۶۱۶/۱		۷۵۹/۶ - ۷۵۴/۹ - ۷۴۵/۱۵	
۸۶۳/۱ - ۸۱۵/۱۳		۷۶۵/۱۴ - ۷۶۳/۱ - ۷۶۰/۱۳	
۴۴۴/۱۶ - ۴۴۳/۹ - ۴۴۲/۱۸	است	۷۹۵/۴ - ۷۷۷/۱۲ - ۷۶۶/۱۵	
۴۹۶/۴ - ۴۹۶/۴ - ۴۸۱/۶		۸۰۱/۱۶ - ۷۹۶/۱ - ۷۹۵/۶	
۵۳۳/۵ - ۵۱۵/۱۳ - ۵۰۳/۸		۸۶۳/۱ - ۸۱۵/۱۳ - ۸۰۳/۹	
۷۱۴/۹ - ۵۵۹/۳ - ۵۵۹/۳		۱۰۳۲/۷ - ۱۰۳۲/۷ - ۱۰۲۴/۶	
۱۰۳۲/۷ - ۸۱۵/۱۳ - ۷۱۴/۹		۱۰۱۵/۱۶	آئینه جومر
۸۶۳/۱ - ۷۴۵/۱۵ - ۵۷۵/۱۵	اش	۱۰۱۵/۱۶	آخر
۷۲۶/۱	افروختن	۴۹۶/۴	آفتاب
۷۹۵/۴ - ۷۵۴/۹ - ۵۷۵/۱۵	افق	۵۳۲/۱۵	آمدن
۸۰۱/۱۶		۷۶۵/۱۴ - ۶۱۶/۱ - ۴۹۶/۴	آن
۷۴۵/۱۵ - ۵۸۱/۴ - ۴۶۳/۳	اگر	۷۲۶/۱ - ۷۱۶/۷ - ۷۹۵/۴	
۷۶۳/۱ - ۷۶۰/۱۳ - ۷۵۴/۹		۸۶۳/۱ - ۸۱۵/۱۳	

بر (حرف اضافه) ۴/۴۹۶ - ۱۲/۵۱۵ -

۳/۵۵۹ - ۶/۷۵۹ - ۱۶/۱۰۱۵ -

برابری ۱/۷۶۲ - ۱۵/۷۶۶ -

برآمدن ۱/۸۶۳ -

برداشتن ۱۶/۷۲۵ -

بردن ۹/۸۰۳ -

بزرگت ۱۶/۷۲۵ -

بستن ۵/۵۲۳ -

بسیار ۹/۷۱۴ -

بلا ۱۶/۴۴۴ -

بودن ۹/۴۴۲ - ۱۶/۴۴۴ - ۴۶/۴۴۴ -

۳/۵۵۹ - ۱۴/۵۵۵ - ۲/۴۶۲ -

۴/۵۸۱ - ۱۴/۷۶۵ -

به ۱۵/۵۲۲ - ۱۴/۵۵۵ - ۱/۶۱۶ -

۹/۷۵۴ - ۱۲/۷۶۰ - ۱۴/۷۶۵ -

۶/۷۹۵ - ۲/۷۹۶ - ۱۶/۸۰۱ -

۱۶/۸۰۱ - ۹/۸۰۳ -

بیان ۹/۴۴۴ -

بی-چون ۶/۴۸۱ -

بی-صبر ۱۴/۵۷۱۵ -

بیگانگی ۲/۴۶۲ - ۱۶/۷۳۵ -

بی-نظیر ۱۲/۷۷۷ -

۱۶/۷۲۵ - ۱۴/۷۶۵ -

۱۶/۷۶۶ - ۱۴/۷۶۵ -

۱۶/۷۶۶ - ۱۴/۷۶۵ -

پاک ۸/۵۰۳ -

پاکیزه ۱۸/۴۴۲ -

پدید ۶/۴۸۱ -

پرتو ۱/۷۶۲ -

پرده ۱۶/۷۲۵ -

پرستیدن ۱۵/۷۴۵ - ۱۵/۷۴۵ -

پس ۱۶/۱۰۱۵ -

پنداشت ۹/۷۵۴ -

پنهان ۱۲/۷۷۷ -

پوشیدن ۱۶/۱۰۱۵ -

۱۲/۷۷۷ - ۱۶/۸۰۱ - ۹/۸۰۳ -

۱/۸۶۳ - ۶/۱۰۲۴ - ۷/۱۰۳۲ -

ال ۱/۷۲۶ -

الهی ۶/۴۸۶ -

ام (ضمیر) ۷/۷۱۶ -

اند ۴/۷۹۵ -

انگشت ۴/۵۳۱ -

او ۵/۵۲۳ - ۶/۷۵۹ - ۶/۷۵۹ -

۱۶/۸۰۱ - ۱/۸۶۳ - ۶/۱۰۲۴ -

ای (تای وحدت و اشارت) ۴/۴۹۶ -

۱۲/۵۱۵ - ۱۴/۵۱۵ - ۴/۵۳۱ -

۹/۷۱۴ - ۵/۵۲۳ - ۱۵/۷۴۵ -

۱۴/۷۶۵ - ۶/۷۹۵ -

۶/۷۹۵ - ۱/۷۹۶ - ۱۶/۸۰۱ -

۱۲/۸۱۵ - ۱۳/۸۱۵ - ۱۶/۱۰۱۵ -

۶/۱۰۲۴ - ۷/۱۰۳۲ -

ای (فعل) ۴/۵۵۵ - ۱۶/۷۳۵ - ۹/۸۰۳ -

۱۴/۷۵۴ - ۱/۷۶۲ - ۱۲/۷۷۷ - ۴/۷۹۵ -

۷/۷۹۶ -

ای (حرف ندا) ۱/۷۲۶ - ۱/۷۹۶ -

۱۶/۱۰۱۵ -

ایتن ۱۲/۸۱۵ -

این ۱۶/۷۲۵ - ۱۴/۷۶۵ - ۶/۷۹۵ -

۱۶/۷۶۶ -

۱۶/۷۶۶ - ۱۴/۷۶۵ -

۱۶/۷۶۶ - ۱۴/۷۶۵ -

جا ۱۵/۷۶۶ -

جای ۱۳/۷۶۰ -

بازار ۶/۷۵۹ -

بلا ۱۶/۷۶۶ -

باور ۱۶/۴۴۲ -

بایستن ۱۲/۵۱۵ - ۶/۱۰۲۴ -

بخت ۶/۷۵۹ -

بدلیغ ۱۵/۷۶۶ -

بیز (اسم) ۳/۷۳۳ -

آینه ذر شعری... (۴۹)

۸۰۲/۹  
چه ۴۴۲/۹ - ۴۴۲/۹ - ۵۵۵/۱۴  
۷۶۲/۱ - ۱۵۲۲/۷  
ج ۵۸۱/۴  
حاجت ۵۸۱/۴  
حجاب ۵۸۱/۴  
حکایت ۵۸۱/۴  
حسن ۵۲۱/۴ - ۵۴۲/۱۵ - ۷۹۵/۴  
حق ۱۰۱۵/۱۶ - ۱۰۲۴/۶  
حکایت ۵۲۲/۱۵  
حیران ۷۹۵/۴ - ۷۹۵/۴  
حیف ۷۶۵/۹۴

خ

خاک ۷۵۹/۶  
خلق ۷۵۴/۹۲  
خواستن ۹۱۰۴۴/۷  
خوب ۷۱۴/۹  
خوبی ۷۶۵/۱۴  
خود ۴۶۲/۲ - ۵۲۱/۴ - ۵۲۱/۴  
خوش ۴۴۴/۱۸  
خویش ۴۴۲/۹  
خویشگش ۷۴۵/۷۵ - ۷۴۵/۷۵  
خویش ۷۴۲/۹ - ۷۴۲/۹ - ۷۴۲/۹  
۸۰۲ - ۸۰۲  
خیمه ۴۹۶/۴

د

دادن ۷۶۲/۱  
داشتن ۵۰۳/۸ - ۷۵۹/۶ - ۷۵۹/۶

پیش ۴۹۶/۴ - ۵۷۵/۱۵  
ت ۱۰۳۲/۷  
تا ۴۴۴/۱۶ - ۵۲۱/۴ - ۸۱۵/۱۳  
تامل ۷۶۰/۱۳  
تماشا ۵۸۱/۴  
تو ۴۴۲/۱۸ - ۴۴۲/۹ - ۴۴۲/۱۸  
۴۴۴/۱۶ - ۴۴۴/۲ - ۴۸۱/۶  
۵۰۳/۸ - ۵۵۵/۱۴ - ۵۵۵/۱۴  
۶۱۶/۱ - ۷۱۶/۷ - ۷۲۵/۱۶  
۷۴۵/۱۵ - ۷۴۵/۱۳ - ۷۶۲/۱  
۷۶۶/۱۵ - ۷۹۵/۴ - ۷۹۵/۴  
۸۰۱/۱۶ - ۱۰۳۲/۷ - ۱۰۳۲/۷  
توانستن ۵۲۳/۵ - ۵۷۵/۱۵

ج

جبین ۴۹۶/۴  
جرم ۴۶۲/۳  
جز ۷۶۶/۱۵ - ۷۹۶/۱ - ۸۰۱/۱۶  
جفا ۷۹۵/۶  
جمال ۴۴۲/۹ - ۵۰۳/۸ - ۵۷۵/۱۵  
۶۱۶/۱ - ۷۱۶/۷ - ۷۹۶/۱  
جور ۷۹۵/۶

چ

چرخ ۷۱۶/۷  
چشم ۵۱۵/۱۳  
چنان ۵۲۲/۱۵ - ۵۱۵/۱۳  
چند ۱۰۱۵/۱۶  
چنین ۵۷۵/۱۵ - ۸۱۵/۱۳  
چون ۴۸۱/۶ - ۵۰۳/۸ - ۷۲۶/۱

رفتن ۴۶۳/۳  
روشن ۷۱۴/۹ - ۸۱۵/۱۳  
روی (اسم) ۴۴۲/۱۸ - ۴۴۲/۱۸ -  
۵۳۱/۴ - ۴۸۱/۶ - ۴۸۱/۶  
۷۶۳/۱ - ۷۳۵/۱۶ - ۵۷۵/۱۵  
۸۱۵/۱۳ - ۷۷۷/۱۲

### ز

زدودن ۸۶۳/۱  
زنگ ۵۱۵/۱۳  
زنگار ۵۵۹/۳ - ۱۰۱۵/۱۶  
زنگارخورده ۵۰۳/۸  
زهره ۷۶۳/۱  
زیبا ۴۴۲/۱۸

### س

سغن ۷۷۷/۱۲  
سر (به کسر سین و تشدید را) ۴۸۱/۶  
سعدی ۷۱۶/۷ - ۵۰۳/۸  
سنگ ۸۶۳/۱  
سوختن ۷۲۶/۱  
سیما ۱۰۲۴/۶ - ۸۰۳/۹  
شاهد ۱۰۳۲/۷ - ۷۱۴/۹ - ۵۱۵/۱۳  
شایستن ۵۲۳/۵  
شخص ۷۹۵/۶  
شدن ۸۱۵/۱۳ - ۸۰۳/۹ - ۶۱۶/۱  
شرط ۵۵۹/۳  
شعاع ۴۹۶/۴  
شکل ۱۰۳۲/۷ - ۷۱۴/۹  
شنیدن ۷۱۶/۷

### ص

صحرا ۵۸۱/۴

۷۶۳/۱  
دانستن ۴۴۴/۱۶  
در (اسم) ۴۹۶/۴  
در (حرف اضافه) ۴۴۲/۹ - ۴۴۴/۱۶  
۴۸۱/۶ - ۴۸۱/۶ - ۵۳۱/۴  
۵۲۳/۵ - ۵۲۳/۵ - ۵۵۵/۱۴  
۵۷۵/۱۵ - ۵۷۵/۱۵ - ۶۱۶/۱  
۷۱۴/۹ - ۷۳۵/۱۶ - ۷۴۵/۱۵  
۷۵۴/۹ - ۷۵۴/۹ - ۷۵۹/۶  
۷۶۰/۱۳ - ۷۶۳/۱ - ۷۶۶/۱۵  
۷۷۷/۱۲ - ۷۹۵/۴ - ۷۹۵/۴  
۷۹۵/۶ - ۶۹۶/۱ - ۸۰۱/۱۶  
۸۰۳/۹ - ۱۰۱۵/۱۶ - ۱۰۲۴/۶  
۱۰۲۴/۶ - ۱۰۳۲/۷

درمان ۸۰۳/۹

درماندن ۸۰۳/۹

درویش ۱۰۲۴/۶

دست ۷۶۵/۱۴

دل ۴۶۳/۳ - ۵۵۹/۳ - ۸۰۳/۹

۸۶۳/۱ - ۱۰۱۵/۱۶

دلبر ۵۵۵/۱۴

دوست ۵۰۳/۸

دهان ۵۳۱/۴

دیدن ۴۴۳/۹ - ۴۶۳/۳ - ۵۱۵/۱۳

۵۲۳/۵ - ۵۲۳/۵ - ۵۵۵/۱۴

۵۷۵/۱۵ - ۷۳۵/۱۶ - ۷۵۴/۹

۷۹۵/۶ - ۷۹۵/۶ - ۸۶۳/۱

۱۰۲۴/۶ - ۱۰۲۴/۶ - ۱۰۳۲/۷

دیده ۱۰۱۵/۱۶

دیگر ۵۲۳/۵ - ۵۷۵/۱۵ - ۶۱۶/۱

### و

راست ۵۳۲/۱۵

رخ ۷۲۶/۱

رسیان ۷۶۶/۱۵

کمال ۵۳۲/۱۵	صفت ۷۹۵/۶
کناره ۸۱۵/۱۳	صنع ۵۱۵/۱۳
کوچک ۷۳۵/۱۶	صورت ۴۶۳/۳ - ۵۵۹/۳ - ۶۱۶/۱
که (حرف ربط) ۴۴۲/۱۸ - ۴۴۲/۹	۷۶۰/۱۳ - ۷۶۶/۱۵ - ۷۶۶/۱۵
۴۴۴/۱۶ - ۴۶۳/۳ - ۵۱۵/۱۳	۸۰۱/۱۶ - ۱۰۱۵/۱۶
۵۳۲/۱۵ - ۵۵۵/۱۴ - ۵۵۹/۳	
۵۷۵/۱۵ - ۶۱۶/۱ - ۷۱۶/۷	ط
۷۳۵/۱۶ - ۷۴۵/۱۵ - ۷۵۴/۹	
۷۶۵/۱۴ - ۷۷۷/۱۳ - ۷۹۵/۴	طلب ۵۳۱/۴
۸۱۵/۱۳	طلعت ۴۴۳/۹
که (ضمیر) ۵۱۵/۱۳ - ۵۳۳/۵ - ۱۴/۱۴	
۵۵۵ - ۷۱۴/۹ - ۷۵۹/۶ - ۶/۶	ع
۷۵۹ - ۷۱۴/۹ - ۷۵۹/۶ - ۶/۶	
۷۵۹ - ۷۹۶/۱ - ۸۰۱/۱۶	عالم ۱۰۲۴/۶
۱۰۲۴/۶	عجب ۷۹۵/۴
کی ۸۱۵/۱۳	عکس ۸۶۳/۱

### ک

گذشتن ۷۵۹/۶	غیب ۵۵۹/۳
گرفتار ۴۴۴/۱۶	
گشتن ۸۰۱/۱۶	ق
گفتن ۵۳۲/۱۵ - ۷۱۴/۹ - ۷۱۶/۷	
۷۷۷/۱۲ - ۷۷۷/۱۲	قدرت ۴۸۱/۶
گماشتن ۱۰۱۵/۱۶	قلم ۴۸۱/۶

### ل

لیکن ۵۵۵/۱۴ - ۵۵۹/۳	کبر ۷۹۵/۶
	کردن ۴۴۲/۹ - ۴۴۴/۱۶ - ۵۳۱/۴
م	۵۵۵/۱۴ - ۵۸۱/۴ - ۷۱۴/۹
	۷۱۶/۷ - ۷۴۵/۱۵ - ۷۶۰/۱۳
ما ۴۴۲/۱۸ - ۴۴۴/۱۶ - ۱۳/۱۳	۷۶۶/۱۵ - ۷۹۵/۶ - ۱۰۳۲/۷
۵۱۵ - ۵۵۵/۱۴ - ۷۶۰/۱۳	کس ۷۱۴/۹ - ۷۴۵/۱۵ - ۷۶۶/۱۵
ماندن ۵۳۱/۴ - ۸۱۵/۱۳	۷۹۵/۶ - ۸۰۱/۱۶

### ک



۷۶۳/۱ - ۷۶۶/۱۵ - ۷۷۷/۱۲  
 ۷۹۵/۴ - ۷۹۶/۱ - ۸۰۱/۱۶  
 ۱۰۲۴/۶  
 ۴۹۶/۴ نهادن

و

۴۴۲/۱۸ - ۵۳۱/۴ - ۵۵۵/۱۴  
 ۵۵۹/۳ - ۶۱۶/۱ - ۷۱۴/۹  
 ۷۳۵/۱۶ - ۷۵۴/۹ - ۷۶۳/۱  
 ۷۷۷/۱۲ - ۷۹۵/۶ - ۷۹۵/۶  
 ۸۰۳/۹ - ۸۱۵/۱۳  
 وجود ۵۳۲/۱۵  
 وصف ۵۳۲/۱۵ - ۷۷۷/۱۲  
 وهم ۶۱۶/۱  
 وی ۵۱۵/۱۳

ه

هر ۵۱۵/۱۳ - ۷۱۴/۹ - ۸۱۵/۱۳  
 هرائینه ۷۹۵/۶  
 هرگز ۶۱۶/۱ - ۷۹۶/۱  
 هزار ۸۶۳/۱  
 هست ۵۱۵/۱۳ - ۵۲۲/۱۵ - ۵۸۱/۴  
 هم ۵۳۲/۱۵ - ۵۳۳/۵ - ۷۴۵/۱۵  
 ۷۹۵/۴  
 همان ۱۰۳۲/۷  
 همتا ۵۳۳/۵  
 همه ۱۰۲۴/۶  
 هوشن ۱۰۳۲/۷  
 هیچ ۷۵۴/۹  
 ۷۱۱/۷  
 یا ۴۹۶/۴ - ۵۷۵/۱۵

ماندن (مانستن) ۸۰۱/۱۶  
 مانند ۷۵۴/۹  
 منصور ۶۱۶/۱  
 مثل ۷۹۶/۱  
 مگر ۵۳۲/۱۵ - ۵۳۲/۵ - ۵۷۵/۱۵  
 ۷۵۴/۹ - ۱۰۲۴/۶  
 ملالت ۷۴۵/۱۵  
 من ۷۱۶/۷ - ۷۲۶/۱۱ - ۷۴۵/۱۵  
 ۷۷۷/۱۲ - ۸۰۳/۹  
 منی ۷۹۵/۶  
 مو ۷۷۷/۱۲  
 به ۷۱۴/۴ - ۷۱۶/۷ - ۸۱۵/۱۳  
 مهر ۵۳۳/۵  
 ۴۴۲/۹ - ۷۱۶/۷  
 ن

ناشکیبا ۴۴۲/۹

ناله ۷۱۶/۷

نالیدن ۷۱۶/۷

نظر ۵۵۵/۱۴ - ۷۶۳/۱ - ۱۰۳۲/۷

نگارستان ۵۸۱/۴

نگاه ۴۴۴/۱۶ - ۵۵۵/۱۴ - ۷۱۴/۹

نگریستن ۷۴۵/۱۵ - ۷۵۹/۶ - ۱۲/۱۳

۷۶۰

نمودن ۴۴۲/۱۸ - ۵۰۳/۸ - ۱۶/۱۶

۷۳۵ - ۸۰۱/۱۶

نور ۱۰۲۴

نه ۴۴۴/۱۶ - ۴۶۳/۳ - ۵۰۳/۸

۵۱۵/۱۳ - ۵۱۵/۱۳ - ۵۳۲/۱۵

۵۳۳/۵ - ۵۵۵/۱۴ - ۵۵۹/۳

۵۷۵/۱۵ - ۵۸۱/۴ - ۶۱۶/۱

۷۱۴/۹ - ۷۳۵/۱۶ - ۷۳۵/۱۶

۷۴۵/۱۵ - ۷۵۴/۹ - ۷۵۴/۹

۷۵۹/۶ - ۷۵۹/۶ - ۷۶۰/۱۳

## فهرست بس آمدی واژه‌های ابیات سعدی (۳۸ بیت)

۵	۴۱	۲۶- دل	۱- آئینه
۵	۳۳	۲۷- کس	۲- در (حرف اضافه)
۵	۲۸	۲۸- گفتن	۳- نه
۵	۲۲	۲۹- ما	۴- تو
۵	۱۸	۳۰- مگر	۵- که (حرف ربط)
۵	۱۸	۳۱- من	۶- ای (یای وحدت و اشارت)
۴	۱۵	۳۲- آن	۷- ات
۴	۱۵	۳۳- آه	۸- است
۴	۱۵	۳۴- افق	۹- دیدن
۴	۱۵	۳۵- تا	۱۰- و
۴	۱۲	۳۶- چون	۱۱- اگر
۴	۱۲	۳۷- داشتن	۱۲- به
۴	۱۲	۳۸- نمودن	۱۳- کردن
۴	۱۰	۳۹- هم	۱۴- روی (اسم)
۳	۹	۴۰- اش	۱۵- که (ضمیر)
۳	۸	۴۱- ای (حرف ندا)	۱۶- از
۳	۸	۴۲- این	۱۷- بودن
۳	۸	۴۳- جز	۱۸- صورت
۳	۷	۴۴- حسن	۱۹- خویشتن
۳	۷	۴۵- دیگر	۲۰- ای (فعل)
۳	۶	۴۶- شاهد	۲۱- او
۳	۶	۴۷- شدن	۲۲- جمال
۳	۶	۴۸- مه	۲۳- خود
۳	۵	۴۹- نظر	۲۴- بر (حرف اضافه)
۳	۵	۵۰- نگاه	۲۵- چه

۱	۸۶- ایمن	۳	۵۱- نگرستن
۱	۸۷- پا	۳	۵۲- هر
۱	۸۸- باز	۳	۵۳- هست
۱	۸۹- بازار	۲	۵۴- بایستن
۱	۹۰- بالا	۲	۵۵- برابری
۱	۹۱- باور	۲	۵۶- بیگانه
۱	۹۲- بخت	۲	۵۷- پرستیدن
۱	۹۳- بدیع	۲	۵۸- پیش
۱	۹۴- بر (اسم)	۲	۵۹- توانستن
۱	۹۵- برآمدن	۲	۶۰- چنان
۱	۹۶- برداشتن	۲	۶۱- چنین
۱	۹۷- بردن	۲	۶۲- حق
۱	۹۸- بزرگ	۲	۶۳- حیران
۱	۹۹- بستن	۲	۶۴- خویش
۱	۱۰۰- بسیار	۲	۶۵- روشن
۱	۱۰۱- بلا	۲	۶۶- زنگار
۱	۱۰۲- بیان	۲	۶۷- سعدی
۱	۱۰۳- بی چون	۲	۶۸- سیما
۱	۱۰۴- بی صبر	۲	۶۹- شکل
۱	۱۰۵- بی نظیر	۲	۷۰- لیکن
۱	۱۰۶- پاك	۲	۷۱- ماندن
۱	۱۰۷- پاکیزه	۲	۷۲- وصف
۱	۱۰۸- پدید	۲	۷۳- هرگز
۱	۱۰۹- پرتو	۲	۷۴- یا
۱	۱۱۰- پرده	۱	۷۵- آخر
۱	۱۱۱- پس	۱	۷۶- آفتاب
۱	۱۱۲- پنداشتن	۱	۷۷- آمدن
۱	۱۱۳- پنهان	۱	۷۸- آئینه جوهر
۱	۱۱۴- پوشیدن	۱	۷۹- ارزیدن
۱	۱۱۵- تأمل	۱	۸۰- افروختن
۱	۱۱۶- تماشا	۱	۸۱- ال
۱	۱۱۷- تیره	۱	۸۲- الهی
۱	۱۱۸- جبین	۱	۸۳- ام (ضمیر)
۱	۱۱۹- جرم	۱	۸۴- اند
۱	۱۲۰- جفا	۱	۸۵- انگشت

۱	۱۵۶- زیبا	۱	۱۲۱- جور
۱	۱۵۷- سخن	۱	۱۲۲- چرخ
۱	۱۵۸- سر (به تشدید را)	۱	۱۲۳- چشم
۱	۱۵۹- سنگ	۱	۱۲۴- چند
۱	۱۶۰- سوختن	۱	۱۲۵- حاجت
۱	۱۶۱- شایستن	۱	۱۲۶- حجاب
۱	۱۶۲- شخص	۱	۱۲۷- حذر
۱	۱۶۳- شرط	۱	۱۲۸- حکایت
۱	۱۶۴- شمع	۱	۱۲۹- حیف
۱	۱۶۵- شنیدن	۱	۱۳۰- خاک
۱	۱۶۶- صحرا	۱	۱۳۱- خلق
۱	۱۶۷- صفت	۱	۱۳۲- خواستن
۱	۱۶۸- صنع	۱	۱۳۳- خوب
۱	۱۶۹- طلب	۱	۱۳۴- خوبی
۱	۱۷۰- طلعت	۱	۱۳۵- خوش
۱	۱۷۱- عالم	۱	۱۳۶- خیمه
۱	۱۷۲- عجب	۱	۱۳۷- دادن
۱	۱۷۳- عکس	۱	۱۳۸- دانستن
۱	۱۷۴- غیب	۱	۱۳۹- در (اسم)
۱	۱۷۵- قدرت	۱	۱۴۰- درمان
۱	۱۷۶- قلم	۱	۱۴۱- در ماندن
۱	۱۷۷- کبر	۱	۱۴۲- درویش
۱	۱۷۸- کمال	۱	۱۴۳- دست
۱	۱۷۹- کناره	۱	۱۴۴- دلبر
۱	۱۸۰- کوچک	۱	۱۴۵- دوست
۱	۱۸۱- کی	۱	۱۴۶- دهان
۱	۱۸۲- گذشتن	۱	۱۴۷- دیده
۱	۱۸۳- گرفتار	۱	۱۴۸- راست
۱	۱۸۴- گشتن	۱	۱۴۹- رخ
۱	۱۸۵- گماشتن	۱	۱۵۰- رسیدن
۱	۱۸۶- ماندن (مانستن)	۱	۱۵۱- رفتن
۱	۱۸۷- مانند	۱	۱۵۲- زدودن
۱	۱۸۸- متصور	۱	۱۵۳- زنگ
۱	۱۸۹- مثل	۱	۱۵۴- زنگارخورده
۱	۱۹۰- ملالت	۱	۱۵۵- زهره

۱	۲۰۱- وهم	۱	۱۹۱- منی
۱	۲۰۲- وی	۱	۱۹۲- مو
۱	۲۰۳- هرآئینه	۱	۱۹۳- مهر
۱	۲۰۴- هزار	۱	۱۹۴- ناشکیبا
۱	۲۰۵- همان	۱	۱۹۵- ناله
۱	۲۰۶- همتا	۱	۱۹۶- نالیدن
۱	۲۰۷- همه	۱	۱۹۷- نگارستان
۱	۲۰۸- هوش	۱	۱۹۸- نور
۱	۲۰۹- هیچ	۱	۱۹۹- نهادن
		۱	۲۰۰- وجود

## ابیات حافظ شیرازی

آئینه سکندر جام می است بنگر	تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا (۵/۵)
صوفی بیا که آینه صافیت جام را	تا بنگری صفای می لعل فام را (۷/۱)
شهباز من که مه آینه دار روی اوست	تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است (۳۰/۴)
روی مقصود که شاهان به دعا می طلبند	مظهرش آینه طلعت درویشان است (۵۰/۱۰)
نظیر دوست ندیدم اگرچه از مه و مهر	نهادم آینه ها را مقابل رخ دوست (۵۷/۲)
دل سراپرده محبت اوست	دیده آینه دار طلعت اوست (۶۰/۱)
روی تو مگر آینه لطف الهیست	حقا که چنین است و درین روی وریا نیست (۷۰/۲)
در روی خود تفرج صنع خدای کن	کاینه خدای نما می فرستمت (۹۱/۸)
چشم از آینه داران خط و خالش گشت	لبم از بوسه بایان بر و دوش باد (۱۰۱/۵)
عکس روی تو چو بر آینه جام افتاد	عازف از خنده می در طمع خام افتاد (۱۰۷/۱)
جلوه ای کرد رخت روز ازل زیر نقاب	این همه نقش در آئینه او هام افتاد (۱۰۷/۲)
تا چه کند با رخ تو دود دل من	آینه دانی که تاب آه ندارد (۱۲۳/۵)

نظر پاك تواند رخ جانان دیدن	که در آئینه نظر جز به صفا نتوان کرد (۱۳۳/۸)
دیدمش خرم و خوشدل قدح باده به دست	وندران آینه صدگونه تماشا می‌کرد (۱۳۶/۴)
من آن آئینه‌را روزی به دست آرم سکندروار	اگر می‌گیرد این آتش زمانی، ورنمی‌گیرد (۱۴۵/۸)
روز در کسب‌هنر کوش که می‌خوردن روز	دل چون آینه در زنگ ظلام اندازد (۱۴۶/۴)
نه هرکه چهره برافروخت دلبری دانند	نه هرکه آینه سازد سکندری داند (۱۷۴/۱)
بعد از این روی من و آینه وصف جمال	که در آنجا خبر از جلوه ذاتم دادند (۱۷۸/۴)
جلوه‌گاه رخ او دیده من تنها نیست	ماه و خورشید هم این آینه می‌گردانند (۱۸۸/۶)
وصف خورشید به شب‌پره اعمی نرسد	که درین آینه صاحب‌نظران حیرانند (۱۸۸/۷)
سر مکش حافظ ز آه نیم شب	تا چو صیحت آینه رخشان کنند (۱۹۲/۱۰)
یارب آئینه حسن تو چه جو هر دارد	که درو آه مرا قوت تأثیر نبود (۲۱۴/۳)
روزگاریست که دل چهره مقصود ندید	ساقیا آن قدح آینه‌کردار بیار (۲۴۴/۹)
چشم‌آلوده نظر بر رخ جانان نه رواست	به رخ او نظر از آینه پاك انداز (۲۵۸/۴)
یارب آن زاهد خودبین که بجز عیب ندید	دود آهیش در آئینه ادراک انداز (۲۵۸/۸)
برکشید آینه از جیب افق چرخ و در آن	بنماید رخ گیتی به هزاران انواع (۲۸۸/۲)
حافظ عروس طبع مرا جلوه آرزوست	آئینه‌ای ندارم از آن آه می‌کشم (۳۲۹/۸)
آه کز طعنه بدخواه ندیدم رویت	نیست چون آینه‌ام روی زآهن چکنم (۳۳۷/۲)
بر دلم گرد ستم‌هاست خدایا می‌پسند	که مکدر شود آئینه مهرآئینم (۳۴۶/۶)

## آینه در شعر ... ۳۹/

برین دو دیده حیران من هزار افسوس	که با دو آینه رویش عیان نمی بینم
پیر میخانه شعر جام جهان بینم داد	واندران آینه از حسن تو کرد آگاهم
در پس آینه طوطی صفتم داشته اند	آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم
شاهد بخت چون کرشمه کند	ماش آینه رخ چو مهیم
ای آفتاب آینه دار جمال تو	مشك سیاه مجمره گردان خال تو
ای جرعه نوش مجلس جم سینه پاک دار	کاینه ایست جام جهان بین که آه ازو
مهر تو عکسی بر ما نیفکند	آینه رویا آه از دلت آه
ولیکن کی نمائی رخ به رندان	تو کز خورشید و مه آینه داری
ببین در آینه جام نقش بندی غیب	که کس به یاد ندارد چنین عجب ز منی
روی جانان طلبی آینه را قابل ساز	زانکه هرگز گل و نسرین ندمد ز آهن و روی
دل که آینه شاهست غباری دارد	از خدا می طلبم صحبت روش رایی

(۴۸۱/۲)





## جدول‌های آیات حافظ

۵/۵	(۱) جام می
(۲) آئینه طلعت معشوق را منعکس میکند	(۲) ب) سکندر
۷۰/۲	(۳) آئینه احوال ملک دارا را فاش میسازد
(۱) روی معشوق	۷/۱
(۲) -	(۱) صافی
(۳) آئینه لطف الهی را فاش میسازد	(۲) الف) صافی
۹۱/۸	(۳) آئینه رخ صوفی را منعکس میکند
(۱) جام	۳۰/۴
(۲) ب) خدانما	(۱) (آئینه‌دار)
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند و	(۲) -
در روی چنین معشوقی صنع خدا	(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند
مشاهده میشود	۵۰/۱۰
۱۰۱/۵	(۱) طلعت درویشان
(۱) چشم شاعر (آئینه‌دار)	(۲) -
(۲) -	(۳) آئینه روی مطلوب را فاش میسازد
(۳) آئینه خط و خال معشوق را منعکس	۵۷/۲
میکند	(۱) مه - مهر
۱۰۷/۱	(۲) -
(۱) جام	(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند
(۲) -	ولیکن نظیر این روی در آن آئینه
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند و	دیده نمیشود
عارف را سرگردان میکند	۶۰/۱
۱۰۷/۲	(۱) دیده (آئینه‌دار)
(۱) اوهام	(۲) -
(۲) -	(۳) آئینه نقشهای مختلف را فاش میسازد
(۳) آئینه نقشهای مختلف را فاش میسازد	(۲) -

- ۱۲۳/۵ (۱) معشوق  
(۲) الف) آه  
(۳) آئینه تاب آه ندارد و موقعیت روی معشوق و دود دل شاعر را به این گونه توصیف میکند  
۱۲۳/۸ (۱) رخ جانان  
(۲) -  
(۳) آئینه فقط نظر پاک را منعکس و موقعیت روی معشوق و نظر دیگران را به این گونه توصیف میکند  
۱۳۶/۴ (۱) قدح باده  
(۲) -  
(۳) آئینه صد گونه تماشا را برای پیر مغان فاش میسازد  
۱۴۵/۸ (۱) جام  
(۲) -  
(۳) آئینه آتش میزند  
۱۴۶/۴ (۱) دل  
(۲) الف) زنگ  
(۳) آئینه زنگ خورده میشود و اثر می خوردن در روز را به این گونه توصیف میکند  
۱۷۴/۱ (۱) چهره  
(۲) -  
(۳) آئینه فقط به دست اسکندر و یوژکی خاص دارد و موقعیت چهره افروختن را به این گونه توصیف میکند  
۱۷۸/۴ (۱) وصف جمال  
(۲) -  
(۳) آئینه ذات شاعر را فاش میسازد  
۱۸۸/۶ (۱) رخ معشوق  
(۲) -  
(۳) ماه و خورشید آئینه را می گردانند  
۱۸۸/۷ (۱) خورشید  
(۲) -  
(۳) آئینه صاحب نظران را حیران میسازد  
۱۹۲/۱۰ (۱) دل  
(۲) الف) آه ب) رخشان  
(۳) آئینه مثل صبح درخشان است  
۲۱۴/۳ (۱) حسن معشوق  
(۲) الف) جوهر - آه  
(۳) آئینه دارای چنان جوهری است که آه شاعر در آن تأثیر نمیگذارد  
۲۴۴/۹ (۱) قدح  
(۲) -  
(۳) آئینه روی مطلوب را فاش میسازد  
۲۵۸/۴ (۱) چشم  
(۲) ب) پاک  
(۳) فقط آئینه پاک روی معشوق را منعکس و موقعیت روی معشوق و چشم دیگران را به این گونه توصیف میکند  
۲۵۸/۸ (۱) ادراك زاهد  
(۲) الف) آه  
(۳) آه بر آئینه به وجود میآید.  
۲۸۸/۲ (۱) خورشید

- (۲) - ۳۷۴/۴  
(۳) آئینه روی گیتی را به هزاران نوع  
فاش میسازد  
۳۲۹/۸  
(۱) (رخ معشوق)  
(۲) الف آه  
(۳) آئینه طبع شاعر را فاش میسازد  
۳۳۷/۲  
(۱) روی شاعر  
(۲) الف آه ب ز آهن  
(۳) روی شاعر به آئینه‌ای تشبیه میشود  
که از آهن ساخته شده باشد  
۳۴۷/۶  
(۱) دل  
(۲) الف گرد ب مکرر - مهرآئین  
(۳) آئینه مکرر میشود و موقعیت دل  
سمت‌دیده شاعر را به این‌گونه توصیف  
میکند  
۳۵۰/۸  
(۱) دیده حیران شاعر  
(۲) -  
(۳) آئینه روی معشوق را خوب منعکس  
نمیکند  
۳۵۳/۶  
(۱) جام جهان‌بین  
(۲) -  
(۳) آئینه زیبایی معشوق را برای شاعر  
فاش میسازد  
۳۷۳/۲  
(۱) -  
(۲) -  
(۳) آئینه طولی را به حرف‌زدن تشویق  
میکند  
۴۰۰/۱  
(۱) آفتاب (آینه‌دار)  
(۲) -  
(۳) آئینه زیبایی معشوق را منعکس‌میکند  
۴۰۵/۳  
(۱) جام جهان‌بین  
(۲) -  
(۳) آئینه همه‌چیز را فاش میسازد  
۴۱۰/۶  
(۱) روی معشوق  
(۲) -  
(۳) از این آئینه انعکاسی به‌شاعر‌نمیرسد  
۴۳۸/۴  
(۱) خورشید - مه  
(۲) -  
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس میکند  
۴۶۸/۵  
(۱) جام  
(۲) -  
(۳) آئینه نقش‌بندی غیب را فاش میسازد  
۴۷۶/۶  
(۱) دل  
(۲) ب قابل  
(۳) آئینه روی معشوق را منعکس‌میکند  
۴۸۱/۲  
(۱) دل  
(۲) الف غبار ب شاهی  
(۳) آئینه غبارآلود است



## فهرست الفبایی واژه‌های ابیات حافظ (۴۰ بیت)

۲۵۸ - ۲۸۸/۲ - ۳۲۹/۸ - ۶/۶

۳۵۳ - ۳۷۳/۲ - ۴۷۶/۶

آنجا ۱۷۸/۴

آورده ۲۴۴/۹ - ۱۴۵/۸

آه ۱۲۳/۵ - ۱۹۲/۱۰ - ۲۱۴/۳

۲۵۸/۸ - ۳۲۹/۸ - ۳۳۷/۲

۴۰۵/۳ - ۴۱۰/۶ - ۴۱۰/۶

آمن ۳۳۷/۲ - ۴۷۶/۶

الف

ات ۹۱/۸ - ۱۰۷/۲ - ۱۹۲/۱۰

۳۳۷/۲ - ۴۱۰/۶

ادراک ۲۵۸/۸

از ۵۷/۲ - ۱۰۱/۵ - ۱۰۱/۵

۱۰۷/۱ - ۱۷۸/۴ - ۱۷۸/۴

۱۹۲/۱۰ - ۲۵۸/۴ - ۲۸۸/۲

۳۲۹/۸ - ۳۳۷/۲ - ۳۳۷/۲

۳۵۳/۶ - ۴۰۵/۳ - ۴۱۰/۶

۴۳۸/۴ - ۴۷۶/۶ - ۴۷۶/۶

۴۸۱/۲

ازل ۱۰۷/۲ - ۳۷۳/۲

است ۵/۵ - ۷/۱ - ۳۰/۴ - ۳۰/۴

۵۰/۱ - ۶۰/۱ - ۷۰/۲ - ۷۰/۲

۷۰ - ۱۸۸/۶ - ۲۴۴/۹ - ۴/۴

آ

آئینه ۵/۵ - ۷/۱ - ۵۰/۱۰ - ۲/۲

۵۷ - ۷۰/۲ - ۹۱/۸ - ۱۰۷/۱

۱۰۷/۲ - ۱۲۳/۵ - ۱۳۳/۸

۱۳۶/۴ - ۱۴۵/۸ - ۱۴۶/۴

۱۷۴/۱ - ۱۷۸/۴ - ۱۸۸/۶

۱۸۸/۷ - ۱۹۲/۱۰ - ۲۱۴/۳

۲۵۸/۴ - ۲۵۸/۸ - ۲۸۸/۲

۳۲۹/۸ - ۳۳۷/۲ - ۳۴۷/۶

۳۵۰/۸ - ۳۵۳/۶ - ۳۷۳/۲

۳۷۴/۴ - ۴۰۵/۳ - ۴۳۸/۴

۴۶۸/۵ - ۴۷۶/۶ - ۴۸۱/۲

آئینه‌دار ۳۰/۴ - ۶۰/۱ - ۱۰۱/۵

۴۰۰/۱

آئیندروی ۴۱۰/۶

آئینه‌کردار ۲۴۴/۹

آتش ۱۴۵/۸

آرزو ۳۲۹/۸

آفتاب ۴۰۰/۱

آگاه ۳۵۳/۶

آلوده‌نظر ۲۵۸/۱

آمدن ۷/۱

آن ۱۳۶/۴ - ۱۴۵/۸ - ۲۴۴/۹ - ۸/۸

۱۸۸/۷ - ۱۸۸/۶ - ۱۷۸/۴  
۳۵۰/۸

۲۵۸ - ۳۲۷/۲ - ۳۲۹/۸ - ۶/۶  
۴۸۱/۲ - ۴۰۵/۲ - ۳۴۷

استاد ۳۷۳/۲

اسکندر ۵/۵

اسکندروار ۱۴۵/۸

اسکندری ۱۷۴/۱

اش ۳۰/۴ - ۵۰/۱۰ - ۱۰۱/۵ -

۱۰۱/۵ - ۱۳۶/۴ - ۲۵۸/۸ -

۳۷۴/۴ - ۳۵۰/۸

اعمی ۱۸۸/۷

افتادن ۱۰۷/۱ - ۱۰۷/۱ - ۱۰۷/۲ -

افسوس ۳۵۰/۸

افق ۲۸۸/۲

افگندن ۴۱۰/۶

اگر ۱۴۵/۸ - ۱۴۵/۸

اگرچه ۵۷/۲

المی ۷۰/۲

ام (ضمیر) ۱۰۱/۵ - ۱۰۱/۵ - ۶/۴

۱۷۸ - ۳۲۷/۲ - ۳۴۷/۶ - ۶/۶

۳۴۷ - ۳۵۳/۶ - ۳۵۳/۶ - ۲/۲

۳۷۳

اند ۱۸۸/۷ - ۳۷۳/۲

انداختن ۱۴۶/۴ - ۲۵۸/۴ - ۲۵۸/۸

اندر ۱۳۶/۴ - ۳۵۳/۶

او ۳۰/۴ - ۶۰/۱ - ۶۰/۱ - ۶/۶

۱۸۸ - ۲۱۴/۳ - ۲۵۸/۴ - ۲/۲

۴۰۵

ای (حرف ندا) ۴۰۰/۱ - ۴۰۵/۳

ای (یای وحدت و اشارت) ۱۰۷/۲ -

۱۴۵/۸ - ۱۴۵/۸ - ۲۴۴/۹

۲۵۸/۸ - ۳۲۹/۸ - ۴۰۵/۳

۴۱۰/۶ - ۴۶۸/۵ - ۴۸۱/۲

۴۸۱/۲

ایم ۳۷۴/۴

این ۷۰/۲ - ۱۰۷/۲ - ۱۴۵/۸ -

## ب

با ۱۲۳/۵ - ۳۵۰/۸

یاده ۱۳۶/۴

بخت ۳۷۴/۴

بدخواه ۳۳۷/۲

بر (اسم) ۱۰۱/۵

بر (حرف اضافه) ۵/۵ - ۱۰۷/۱ -

۲۵۸/۴ - ۳۴۷/۶ - ۳۵۰/۸ -

۴۱۰/۶

برافروختن ۱۷۴/۱

برکشیدن ۲۸۸/۲

بعد ۱۷۸/۴

بلند ۳۰/۴

بودن ۱۰۱/۵ - ۲۱۴/۳

بوسه ریا ۱۰۱/۵

به ۵۰/۱۰ - ۱۳۳/۸ - ۱۳۶/۴ -

۱۴۵/۸ - ۱۸۸/۷ - ۲۵۸/۴ -

۲۵۸/۸ - ۲۸۸/۲ - ۴۳۸/۴ -

۴۶۸/۵

پاک ۱۳۳/۸ - ۲۵۸/۴ - ۴۰۵/۳

پس ۳۷۳/۲

پسندیدن ۳۴۷/۶

پیر ۳۵۳/۶

## ت

تا ۵/۵ - ۷/۱ - ۱۲۳/۵ - ۱۹۲/۱۰

تاب ۱۲۳/۵

تاج ۳۰/۴

تأثیر ۲۱۴/۳

تفرج ۹۱/۸

## ح

تماشا ۱۲۶/۴	
تنها ۱۸۸/۶	
تو ۵/۵ - ۷۰/۲ - ۱۰۷/۱ - ۵/۵	حافظ ۳۲۹/۸ - ۱۹۲/۱۰
۱۲۲ - ۲۱۴/۳ - ۳۵۳/۶ - ۱/۱	حال ۵/۵
۴۰۰ - ۴۱۰/۶ - ۴۰۰/۱ - ۴/۴	حسن ۲۵۳/۶ - ۲۱۴/۳
۴۲۸	حقا ۷۰/۲
توانستن ۱۲۳/۸ - ۱۲۳/۸	حیران ۵۰/۸ - ۱۸۸/۷

## خ

جام ۵/۵ - ۷/۱ - ۱۰۷/۱ - ۶/۶	خاک ۳۰/۴
۲۵۳ - ۴۶۸/۵ - ۴۰۵/۳	خال ۴۰۰/۱ - ۱۰۱/۵
جانان ۱۲۳/۸ - ۲۵۸/۴ - ۴۷۶/۶	خام ۱۰۷/۱
جرعه نوش ۴۰۵/۳	خبر ۱۷۸/۴
جز ۲۵۸/۸ - ۱۲۳/۸	خدا ۴۸۱/۲ - ۳۴۷/۶ - ۹۱/۸
جلوه ۲۲۹/۸ - ۲۷۸/۴ - ۲۰۷/۲	خدای نما ۹۱/۸
جلوه گاه ۱۸۸/۶	خرم ۱۲۶/۴
جم ۴۰۵/۳	خط ۱۰۱/۵
جمال ۴۰۰/۱ - ۱۷۸/۴	خنده ۱۰۷/۱
جوهر ۲۱۴/۳	خود ۹۱/۸
جهان بین ۴۰۵/۳ - ۲۵۳/۶	خود بین ۲۵۸/۸
جیب ۲۸۸/۲	خوردن ۱۴۶/۴
	خورشید ۳۰/۴ - ۱۸۸/۶ - ۱۸۸/۷
	۴۲۸/۴
	خوش دل ۱۳۶/۴

## چ

چرخ ۲۸۸/۲	
چشم ۲۵۸/۴ - ۱۰۱/۵	
چنین ۴۶۸/۵ - ۷۰/۲	
چون ۱۰۷/۱ - ۱۴۶/۴ - ۱۹۲/۱۰	دادن ۲۵۳/۶ - ۱۷۸/۴
۳۲۷/۲ - ۳۷۴/۴ - ۳۷۴/۴	دارا ۵/۵
چه ۱۲۳/۵ - ۲۱۴/۳ - ۳۳۷/۲	داشتن ۵/۵ - ۱۲۳/۵ - ۲۱۴/۳
۳۷۳/۲	۳۲۹/۸ - ۳۷۳/۲ - ۴۰۵/۳
چهره ۲۴۴/۹ - ۱۷۴/۱	۴۸۱/۲ - ۴۶۸/۵ - ۴۲۸/۴
	دانستن ۱۷۴/۱ - ۱۲۳/۵ - ۱۷۴/۱
	در (حرف اضافه) ۷۰/۲ - ۹۱/۸

## د



روز ۱۰۷/۲ - ۱۴۵/۸ - ۱۴۶/۴ - ۴۳۳/۸ - ۱۰۷/۲ - ۱۰۷/۱  
 ۱۴۶/۴ - ۱۸۸/۷ - ۱۷۸/۴ - ۱۴۶/۴  
 روزگار ۲۴۴/۹ - ۲۸۸/۲ - ۲۵۸/۸ - ۲۱۴/۳  
 روشن‌رای ۴۸۱/۲ - ۴۶۸/۵ - ۳۷۲/۲  
 روی (اسم) ۷۰/۲ - ۵۰/۱۰  
 روی (اسم) ۴۷۶/۶ - ۱۴۵/۸ - ۱۳۶/۴  
 روی (اسم) ۳۰/۴ - ۵۰/۱۰ - ۲ - ۵۰/۱۰  
 ۷۰ - ۹۱/۸ - ۱۰۷/۱ - ۴ - ۵۰/۱۰  
 ۱۷۸ - ۲۳۷/۲ - ۲۳۷/۲ - ۸ - ۴۷۶/۶ - ۳۵۰  
 ریا ۷۰/۲

ز

زاهد ۲۵۸/۸ - ۳۵۰/۸ - ۲۵۰/۸  
 زمان ۴۶۸/۵ - ۱۴۵/۸ - ۲۵۸/۸ - ۱۲۳/۵  
 زنگ ۱۴۶/۴ - ۵۷/۲ - ۵۷/۲  
 زیر ۱۰۷/۲ - ۱۰۱/۵  
 دیدن ۱۳۶/۴ - ۱۳۳/۸ - ۵۷/۲  
 ۳۳۷/۲ - ۲۵۸/۸ - ۲۴۴/۹  
 ۴۶۸/۵ - ۲۵۰/۸  
 دیده ۳۵۰/۸ - ۱۸۸/۶ - ۶۰/۱

س

ذ

ساختن ۴۷۶/۶ - ۱۷۴/۱ - ۱۷۸/۴  
 ساقی ۲۴۴/۹  
 ستم ۳۴۷/۶

ر

سحر (بفتح سین) ۳۵۳/۶  
 سر ۱۹۲/۱۰  
 سراپرده ۶۰/۱  
 سیاه ۴۰۰/۱  
 سینه ۴۰۵/۳  
 رب ۲۵۸/۸ - ۲۱۴/۳  
 رخ ۵۷/۲ - ۱۰۷/۲ - ۱۲۳/۵ - ۸  
 ۱۳۳ - ۱۸۸/۶ - ۲۵۸/۴ - ۴  
 ۲۵۸ - ۲۸۸/۲ - ۳۷۴/۴ - ۴  
 ۴۳۸

ش

رخسیدن ۱۹۲/۱۰  
 رسیدن ۱۸۸/۷  
 رند ۴۳۸/۴  
 روا ۲۵۸/۴

شاه ۵۰/۱۰  
 شاهد ۳۷۴/۴  
 شاهوار ۳۰/۴

عیان ۳۵۰/۸

عیب ۲۵۸/۸

غ

غبار ۴۸۱/۲

غیب ۴۶۸/۵

ف

فرستادن ۹۱/۸

ق

قابل ۴۷۶/۶

قدح ۱۳۶/۴ - ۲۴۴/۹

قوت ۲۱۴/۳

ك

کردن ۹۱/۸ - ۱۰۷/۲ - ۱۲۳/۵

۱۲۳/۸ - ۱۳۶/۴ - ۱۹۲/۱۰

۳۲۷/۲ - ۳۵۳/۶ - ۳۷۴/۴

کرشمه ۳۷۴/۴

کس ۴۶۸/۵

کسب ۱۴۶/۴

کشیدن ۱۹۲/۱۰ - ۳۲۹/۸

کوشیدن ۱۴۶/۴

که (حرف ربط) ۷/۱ - ۷۰/۲ - ۸/۸

۹۱ - ۱۲۳/۵ - ۱۳۳/۸ - ۴/۴

۱۴۶ - ۱۴۶/۴ - ۱۷۸/۴ - ۷/۷

۱۸۸ - ۲۱۴/۳ - ۲۴۴/۹ - ۲/۲

۳۲۷ - ۳۴۷/۶ - ۳۵۰/۸ - ۳/۳

۴۰۵ - ۴۶۸/۵ - ۴۷۶/۶

که (ضمیمه) ۳۰/۴ - ۵۰/۱۰ - ۱/۱

شاهی ۴۸۱/۲

شب‌پره ۱۸۸/۷

شدن ۳۴۷/۶

ص

صاحب‌نظر ۱۸۸/۷

صافی ۷/۱

صبح ۱۹۲/۱۰

صحبت ۴۸۱/۲

صد ۱۳۶/۴

صفا ۷/۱ - ۱۳۳/۸

صنع ۹۱/۸

صوفی ۷/۱

ط

طبع ۳۲۹/۸

طعنه ۳۳۷/۲

طالبیدن ۵۰/۱۰ - ۴۷۶/۶ - ۴۸۱/۲

طاعت ۵۰/۱۰ - ۶۰/۱

طمع ۱۰۷/۱

طاوولی‌صفت ۳۷۳/۲

ظ

ظلام ۱۴۶/۴

ع

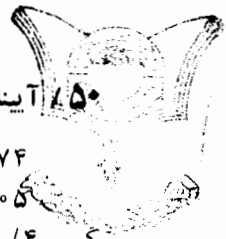
عارف ۱۰۷/۶

عجب ۴۶۸/۵

عرضه ۵/۵

عروس ۳۲۹/۸

عکس ۱۰۷/۱ - ۴۱۰/۶



مقصود ۵۰/۱۰ - ۲۴۴/۹

مکدر ۳۴۷/۶

مگر ۷۰/۲

ملك ۵/۵

من ۲۰/۴ - ۱۲۳/۵ - ۱۴۵/۸

۱۷۸/۴ - ۱۸۸/۶ - ۲۱۴/۳

۳۲۹/۸ - ۳۵۰/۸

مه ۱۹۲/۱۰ - ۳۴۷/۶

مهر ۵۷/۲ - ۴۱۰/۶

مهرآیین ۳۴۷/۶

می ۵/۵ - ۷/۱ - ۱۰۷/۱ - ۱۶۴/۴

میخانه ۳۵۳/۶

ن

نسرین ۴۷۶/۶

نظر ۱۲۳/۸ - ۱۳۳/۸ - ۲۵۸/۴

نظیر ۵۷/۲

نعل ۳۰/۴

نقاب ۱۰۷/۲

نقش ۱۰۷/۲

نقش‌بندی ۴۶۸/۵

نگریستن ۵/۵ - ۷/۱

نمودن ۲۸۸/۲ - ۴۳۸/۴

نوع ۲۸۸/۲

نه ۵۷/۲ - ۷۰/۲ - ۱۲۳/۵ - ۸/۸

۱۳۳ - ۱۴۵/۸ - ۱۷۴/۱ - ۱/۱

۱۷۴ - ۱۸۸/۶ - ۱۸۸/۷ - ۳/۳

۲۱۴ - ۲۴۴/۳ - ۲۵۸/۸ - ۸/۸

۳۲۹ - ۳۳۷/۲ - ۳۳۷/۲ - ۸/۸

۳۵۰ - ۴۱۰/۶ - ۴۶۸/۵ - ۶/۶

۴۷۶

نهادن ۵۷/۲

نیم شب ۱۹۲/۱۰

۱۷۴ - ۱۷۴/۱ - ۲۵۸/۸ - ۲/۲

۴۰۵ - ۴۳۸/۴ - ۴۸۱/۲

کی ۴۳۸/۴

ک

کرد ۳۴۷/۶

گردانیدن ۱۸۸/۶

گرفتن ۱۴۵/۸ - ۱۴۵/۸

کشتن ۱۰۱/۵

گفتن ۳۷۳/۲ - ۳۷۳/۲ - ۳۷۳/۲

کل ۴۷۶/۶

کونه ۱۳۶/۴

کیتی ۲۸۸/۲

ل

لب ۱۰۱/۵

لطف ۷۰/۲

لعل‌فام ۷/۱

لیکن ۴۳۸/۴

م

ما ۳۷۴/۴ - ۴۱۰/۶

ماه ۳۰/۴ - ۵۷/۲ - ۱۸۸/۶ - ۴/۴

۳۷۴ - ۴۳۸/۴

مجلس ۴۰۵/۳

مجمره‌گردان ۴۰۰/۱

معیت ۶۰/۱

مرکب ۳۰/۴

مشک ۴۰۰/۱

مظهر ۵۰/۱۰

مقابل ۵۷/۲

ه		و
۱۷۴/۱ - ۱۷۴/۱	هر	۵۷/۲ - ۷۰/۲ - ۱۰۱/۵
۴۷۶/۶	هرگز	۱۰۱/۵ - ۱۳۶/۴ - ۱۳۶/۴
۳۵۰/۸ - ۲۸۸/۲	هزار	۱۸۸/۶ - ۱۷۸/۴ - ۱۴۵/۸
۱۸۸/۶	هم	۴۳۸/۴ - ۳۵۳/۶ - ۲۸۸/۲
۱۰۷/۲	همه	۴۷۶/۶ - ۴۷۶/۶ - ۴۳۸/۴
۱۴۶/۴	هنر	
ی		۱۶
۲۵۸/۸ - ۲۱۴/۲	یا	۱۸۸/۷ - ۱۷۸/۴
۴۶۸/۵	یاد	۱۰۷/۲



## فهرست بسامدی واژه‌های آیات حافظ (۴۰ بیت)

۶	۲۶- جام	۲۴	۱- آئینه
۶	۲۷- چون	۲۰	۲- نه
۵	۲۸- ات	۱۹	۳- از
۵	۲۹- ماه	۱۸	۴- است
۴	۳۰- آئینه‌دار	۱۶	۵- که (حرف ربط)
۴	۳۱- تا	۱۶	۶- و
۴	۳۲- چه	۱۴	۷- در (حرف اضافه)
۴	۳۳- خورشید	۱۱	۸- ای (یای وحدت و اشارت)
۴	۳۴- روز	۱۰	۹- به
۴	۳۵- می	۱۰	۱۰- تو
۳	۳۶- افتادن	۱۰	۱۱- رخ
۳	۳۷- انداختن	۱۰	۱۲- روی (اسم)
۳	۳۸- پاك	۹	۱۳- آن
۳	۳۹- جانان	۹	۱۴- آه
۳	۴۰- جلوه	۹	۱۵- ام (ضمیر)
۳	۴۱- خدا	۹	۱۶- داشتن
۳	۴۲- دانستن	۹	۱۷- کردن
۳	۴۳- دیده	۸	۱۸- اش
۳	۴۴- طلبیدن	۸	۱۹- دیدن
۳	۴۵- گفتن	۸	۲۰- که (ضمیر)
۳	۴۶- نظر	۸	۲۱- من
۲	۴۷- آوردن	۷	۲۲- او
۲	۴۸- آهن	۷	۲۳- این
۲	۴۹- ازل	۷	۲۴- دل
۲	۵۰- اگر	۶	۲۵- بر (حرف اضافه)

۲	۸۶- نمودن	۲	۵۱- اند
۲	۸۷- وصف	۲	۵۲- اندر
۲	۸۸- هر	۲	۵۳- ای (حرف ندا)
۲	۸۹- هزار	۲	۵۴- با
۲	۹۰- یا	۲	۵۵- بودن
۱	۹۱- آتش	۲	۵۶- توانستن
۱	۹۲- آرزو	۲	۵۷- جز
۱	۹۳- آفتاب	۲	۵۸- جمال
۱	۹۴- آگاه	۲	۵۹- جهان بین
۱	۹۵- آلوده نظر	۲	۶۰- چشم
۱	۹۶- آمدن	۲	۶۱- چنین
۱	۹۷- آنجا	۲	۶۲- چهره
۱	۹۸- آئینه روی	۲	۶۳- حافظ
۱	۹۹- آئینه کردار	۲	۶۴- حسن
۱	۱۰۰- ادراک	۲	۶۵- حیران
۱	۱۰۱- استاد	۲	۶۶- خال
۱	۱۰۲- اسکندر	۲	۶۷- دادن
۱	۱۰۳- اسکندروار	۲	۶۸- دست
۱	۱۰۴- اسکندری	۲	۶۹- دو
۱	۱۰۵- اعمی	۲	۷۰- دود
۱	۱۰۶- افسوس	۲	۷۱- دوست
۱	۱۰۷- افق	۲	۷۲- رب
۱	۱۰۸- افگندن	۲	۷۳- زمان
۱	۱۰۹- اگرچه	۲	۷۴- ساختن
۱	۱۱۰- الهی	۲	۷۵- صفا
۱	۱۱۱- ایم	۲	۷۶- طلعت
۱	۱۱۲- باده	۲	۷۷- عکس
۱	۱۱۳- بغت	۲	۷۸- قدح
۱	۱۱۴- بدخواه	۲	۷۹- کشیدن
۱	۱۱۵- بر (اسم)	۲	۸۰- گرفتن
۱	۱۱۶- برافروختن	۲	۸۱- ما
۱	۱۱۷- برکشیدن	۲	۸۲- مقصود
۱	۱۱۸- بعد	۲	۸۳- مه
۱	۱۱۹- بلند	۲	۸۴- مهر
۱	۱۲۰- بوسه ربا	۲	۸۵- نگرستن

۱	رخشیدن	۱۵۶	۱	پس	۱۲۱
۱	رسیدن	۱۵۷	۱	پسندیدن	۱۲۲
۱	رند	۱۵۸	۱	پیر	۱۲۳
۱	روا	۱۵۹	۱	تاب	۱۲۴
۱	روزگار	۱۶۰	۱	تاج	۱۲۵
۱	روشن‌رای	۱۶۱	۱	تأثیر	۱۲۶
۱	روی (اسم)	۱۶۲	۱	تفرج	۱۲۷
۱	روی (اسم)	۱۶۳	۱	تماشا	۱۲۸
۱	ریا	۱۶۴	۱	تنها	۱۲۹
۱	زاهد	۱۶۵	۱	جرعه‌نوش	۱۳۰
۱	زنک	۱۶۶	۱	جلوه‌گاه	۱۳۱
۱	زیر	۱۶۷	۱	جم	۱۳۲
۱	ساقی	۱۶۸	۱	جوهر	۱۳۳
۱	ستم	۱۶۹	۱	جیب	۱۳۴
۱	سحر	۱۷۰	۱	چرخ	۱۳۵
۱	سر	۱۷۱	۱	حال	۱۳۶
۱	سراپرده	۱۷۲	۱	حقا	۱۳۷
۱	سیاه	۱۷۳	۱	خاک	۱۳۸
۱	سینه	۱۷۴	۱	خام	۱۳۹
۱	شاه	۱۷۵	۱	خبر	۱۴۰
۱	شاهد	۱۷۶	۱	خدای‌نما	۱۴۱
۱	شاه‌سوار	۱۷۷	۱	خرم	۱۴۲
۱	شاهی	۱۷۸	۱	خط	۱۴۳
۱	شب‌پره	۱۷۹	۱	خنده	۱۴۴
۱	شدن	۱۸۰	۱	خود	۱۴۵
۱	صاحب‌نظر	۱۸۱	۱	خودبین	۱۴۶
۱	صافی	۱۸۲	۱	خوردن	۱۴۷
۱	صبح	۱۸۳	۱	خوش‌دل	۱۴۸
۱	صحبت	۱۸۴	۱	دارا	۱۴۹
۱	صد	۱۸۵	۱	درویش	۱۵۰
۱	صنع	۱۸۶	۱	دعا	۱۵۱
۱	صوفی	۱۸۷	۱	دلبری	۱۵۲
۱	طبع	۱۸۸	۱	دمیدن	۱۵۳
۱	طعنه	۱۸۹	۱	دوش	۱۵۴
۱	طمع	۱۹۰	۱	ذات	۱۵۵



۱	۲۱۹ - مجلس	۱	۱۹۱ - طولی صفت
۱	۲۲۰ - مجمره گردان	۱	۱۹۲ - غلام
۱	۲۲۱ - محبت	۱	۱۹۳ - عارف
۱	۲۲۲ - مرکب	۱	۱۹۴ - عجب
۱	۲۲۳ - مشک	۱	۱۹۵ - عرضه
۱	۲۲۴ - مظهر	۱	۱۹۶ - عروس
۱	۲۲۵ - مقابل	۱	۱۹۷ - عیان
۱	۲۲۶ - مکدر	۱	۱۹۸ - عیب
۱	۲۲۷ - مگر	۱	۱۹۹ - غبار
۱	۲۲۸ - ملک	۱	۲۰۰ - غیب
۱	۲۲۹ - مهر آیین	۱	۲۰۱ - فرستادن
۱	۲۳۰ - میخانه	۱	۲۰۲ - قابل
۱	۲۳۱ - نسرين	۱	۲۰۳ - قوت
۱	۲۳۲ - نظير	۱	۲۰۴ - کرشمه
۱	۲۳۳ - نعل	۱	۲۰۵ - کس
۱	۲۳۴ - نقاب	۱	۲۰۶ - کسب
۱	۲۳۵ - نقش	۱	۲۰۷ - کوشیدن
۱	۲۳۶ - نقش بندی	۱	۲۰۸ - کی
۱	۲۳۷ - نوع	۱	۲۰۹ - گرد
۱	۲۳۸ - نهادن	۱	۲۱۰ - گردانیدن
۱	۲۳۹ - نیم شب	۱	۲۱۱ - گشتن
۱	۲۴۰ - وهم	۱	۲۱۲ - گل
۱	۲۴۱ - هرگز	۱	۲۱۳ - گونه
۱	۲۴۲ - هم	۱	۲۱۴ - گیتی
۱	۲۴۳ - همه	۱	۲۱۵ - لب
۱	۲۴۴ - هنر	۱	۲۱۶ - لطف
۱	۲۴۵ - یاد	۱	۲۱۷ - لعل قام
		۱	۲۱۸ - لیکن

# جدولهای آماری واژه‌ها و کلمات ایبات سعدی و حافظ

## «توضیح جدول آماری واژه‌ها و کلمات»

- در ستون ۱: شماره ردیف واژه‌ها براساس بس‌آمد (رک ستون ۲) ذکر می‌شود واژه‌ایکه بالاترین بس‌آمد دارد با شماره ۱ معرفی می‌شود و هرچه بس‌آمد کمتر شده شماره ردیف بیشتر می‌شود.
- در ستون ۲: بس‌آمد هر واژه یعنی تعداد بارهائیکه هر واژه استعمال شده (یا به عبارت دیگر تعداد کلماتیکه به هر واژه اختصاص دارد) ذکر می‌شود (در مورد اختلاف بین واژه و کلمه به مقدمه مقاله رجوع شود).
- در ستون ۳: تعداد واژه‌هائیکه بس‌آمد آنها متقابلاً در ستون ۲ یاد شده ذکر می‌شود.
- در ستون ۴: جمع تدریجی واژه‌ها که با اضافه کردن عددهای ستون ۳ از بالا به پائین و پشت سر هم حاصل شده ذکر می‌شود، آخرین عدد جمع کل واژه‌ها را نشان می‌دهد.
- در ستون ۵: تعداد کلماتی ذکر می‌شود که به واژه‌هائی اختصاص دارد که بس‌آمد و تعداد آنها متقابلاً در ستون ۲ و ۳ یاد شده است.
- در ستون ۶: جمع تدریجی کلمات که با اضافه کردن عددهای ستون ۵ از بالا به پائین و پشت سر هم حاصل شده ذکر می‌شود، آخرین عدد جمع کل کلمات را نشان می‌دهد.
- در ستون ۷: درصد واژه‌هائیکه تعداد آنها متقابلاً در ستون ۳ یاد شده ذکر می‌شود و این درصد نسبت به جمع کل واژه‌ها (رک آخرین عدد ستون ۴) حساب می‌شود.
- در ستون ۸: جمع تدریجی درصدهای ستون ۷ که با اضافه کردن عددهای این ستون از بالا به پائین و پشت سر هم حاصل شده ذکر می‌شود.
- در ستون ۹: درصد واژه‌هائی که بس‌آمد آنها متقابلاً در ستون ۲ یاد شده ذکر می‌شود و این درصد نسبت به جمع کل کلمات (رک آخرین عدد ستون ۶) حساب می‌شود.
- در ستون ۱۰: درصد کلماتیکه تعداد آنها متقابلاً در ستون ۵ یاد شده ذکر می‌شود و این درصد نسبت به جمع کل کلمات (رک آخرین عدد ستون ۶) حساب می‌شود.
- در ستون ۱۱: جمع تدریجی درصدهای ستون ۱۰ که با اضافه کردن عددهای این ستون از بالا به پائین و پشت سر هم حاصل شده ذکر می‌شود.



جہول آماری وازہا و کلمات ایات حافظ

ردیف	ستون ۱	ستون ۲	ستون ۳	ستون ۴	ستون ۵	ستون ۶	ستون ۷	ستون ۸	ستون ۹	ستون ۱۰	ستون ۱۱
ردیف	پس آمد	واژه ها	جمع	پس آمد X واژه ها	جمع	درصد	نسبت به	جمع	نسبت به	جمع	نسبت به
۸۱	۱	۵۵۱	۵۳۶	۵۵۱	۳۱۶	%۰۰۰۹۶/۳۶	%۰/۰۰۱	%۰۰۰۸۱/۶۳	%۰۰۰۶۱/۰	%۰۰۰۳۸/۲۵	%۰۰/۰۰۱
۶۱	۸	۷۷	۶۰	۷۷	۶۵۳	%۰۰۰۵۶/۸۱	%۰۰۰۸۱/۶۳	%۰۰۰۸۱/۶۳	%۰۰۰۸۱/۰	%۰۰۰۸۱/۴۱	%۰۰۰۵۷/۳۸
۵۱	۳	۱۱	۶۳	۳۳	۱۸۳	%۰۰۰۷۳/۳	%۰۰۰۸۱/۷۱	%۰۰۰۷۳/۰	%۰۰۰۸۱/۵	%۰۰۰۸۱/۵	%۰۰۰۸۳/۰۶
۳۱	۳	۶	۵۴	۳۸	۷۳۳	%۰۰۰۳۳/۸	%۰۰۰۷۸/۳۱	%۰۰۰۵۶/۰	%۰۰۰۶/۳	%۰۰۰۶/۳	%۰۰۰۳۱/۵۵
۳۱	۵	۸	۶۲	۰۱	۳۱۳	%۰۰۰۱۷/۰	%۰۰۰۳۷/۱۱	%۰۰۰۱۷/۰	%۰۰۰۸۶/۱	%۰۰۰۸۶/۱	%۰۰۰۳۱/۱۵
۲۱	۶	۳	۸۲	۷۱	۳۰۳	%۰۰۰۸۸/۱	%۰۰۰۵۰/۱۱	%۰۰۰۸۶/۰	%۰۰۰۸۶/۸	%۰۰۰۸۶/۸	%۰۰۰۱۵/۶۳
۱۱	۸	۳	۳۸	۱۸	۶۷۸	%۰۰۰۸۸/۱	%۰۰۰۶۸/۶	%۰۰۰۳۱/۱	%۰۰۰۸۳/۳	%۰۰۰۸۵/۶۳	
۰۱	۷	۳	۱۲	۲۳	۵۶۸	%۰۰۰۸۶/۱	%۰۰۰۸۵/۷	%۰۰۰۸۱/۱	%۰۰۰۱۸/۵	%۰۰۰۵۱/۳۳	
۵	۵	۵	۸۱	۵۳	۳۳۸	%۰۰۰۳۰/۰	%۰۰۰۵۶/۶	%۰۰۰۶۳/۱	%۰۰۰۸۳/۸	%۰۰۰۳۶/۸۳	
۷	۰۱	۳	۸۱	۰۳	۷۷۱	%۰۰۰۸۶/۱	%۰۰۰۶۷/۳	%۰۰۰۸۶/۱	%۰۰۰۱۵/۶	%۰۰۰۱۶/۰۳	
۸	۱۱	۱	۷	۱۱	۷۳۱	%۰۰۰۰۳/۰	%۰۰۰۶۸/۳	%۰۰۰۶۸/۱	%۰۰۰۶۸/۱	%۰۰۰۰۱/۳۸	
۶	۳۱	۱	۸	۳۱	۸۳۱	%۰۰۰۰۳/۰	%۰۰۰۵۷/۸	%۰۰۰۷۸/۸	%۰۰۰۷۸/۸	%۰۰۰۱۳/۲۸	
۵	۶۱	۲	۶	۲۳	۳۲۱	%۰۰۰۱۷/۰	%۰۰۰۴۴/۸	%۰۰۰۰۶/۸	%۰۰۰۱۸/۵	%۰۰۰۳۰/۰۵	
۳	۷۱	۱	۳	۷۱	۱۶	%۰۰۰۰۳/۰	%۰۰۰۳۶/۱	%۰۰۰۳۶/۸	%۰۰۰۳۶/۸	%۰۰۰۲۷/۳۱	
۳	۶۱	۱	۳	۶۱	۳۸	%۰۰۰۰۰/۰	%۰۰۰۲۶/۱	%۰۰۰۹۰/۳	%۰۰۰۶۰/۳	%۰۰۰۷۷/۱۱	
۲	۲۰	۱	۲	۲۰	۳۵	%۰۰۰۰۳/۰	%۰۰۰۱۷/۰	%۰۰۰۵۵/۳	%۰۰۰۶۰/۳	%۰۰۰۷۹/۷	
۱	۳۴	۱	۱	۳۴	۳۴	%۰۰۰۰۰/۰	%۰۰۰۰۰/۰	%۰۰۰۰۰/۰	%۰۰۰۰۰/۰	%۰۰۰۰۰/۰	



## پیشنهادی برای يك بررسی آماری - تطبیقی

صحبت کردن در مورد فرخی به معنای پرداختن به شروع شعر غنائی فارسی، و در مورد خاص ما بررسی در گذشته سنتی سعدی و حافظ را معنی می دهد، گذشته ای که بنظر می رسد لازمه و مقدمه هر نوع تحول و پیشرفت بعدی می باشد. در حقیقت همچون هر نوع شیوه ادبی سنتی و اشرافی، شعر غنائی فارسی نیز از همان آغاز، يك تعداد کم و زیاد ثابت از تصاویر معین و يك مجموعه قوانین سبکی در اختیار خود دارد که روی قوه خیالی و آگاهی هنری شاعر نفوذ و تسلط کامل پیدا کرده و بصورت قواعد دستوری زبان شعری درآمده است. آئینه یکی از این تصاویر است که در طول زمان و در سیر تکامل سبکهای مختلف فقط از نوآوریهای محدود و تنوعات کم برخوردار شده که از نظر این سانسور شعری جدی و بسیار محافظه کارانه مجاز به نظر رسیده و برخلاف ارزشهای سنتی نبوده است. پس شروع داستان آئینه یعنی آئینه فرخی را از نزدیک مورد ملاحظه قرار می دهیم.

آئینه فرخی در توصیفهای مربوط به جهان بشری و جهان طبیعی موجود است. در قرینه آخری همانطور که از پاسخهای سؤال شماره ۱ نتیجه گرفته می شود آئینه به اشیاء زیر تشبیه می شود: ساه (از نظر شکل، درخشندگی و شاید برای کشش به نشان دادن لکه های زنگ ۳/۲)، آسمان (از نظر درخشندگی و صافی ۱/۴، ۳۵۶/۱۶) که ابرهای آن شبیه لکه های زنگ یا شبیه اثر آه روی آئینه می باشد، دشت (از نظر مسطح بودن ۱۰۳/۱۴)، برکه (از نظر شکل و رنگ ۲۱۰/۹) که برگهای شناور روی آن لکه های زنگ روی آئینه را به خاطر شاعر می آورد. پس خصوصیات اصلی آئینه همانطور که از توصیفهای آن در رابطه با جهان طبیعی معلوم می شود، به يك تضاد رنگی اختصاص دارد: درخشندگی (سطح صاف، براق و فلزی)/ تاریکی (زنگ، آه) ولی این تضاد از این جهت که تمامی کلماتی که به این تضاد مربوط است صورت مدور داشته (برکه، ماه، ابر، آه، برگ، لکه های مختلف) ملایم تر شده و حتی جنبه های هماهنگی نیز در خود دارد. این تضاد در توصیف آئینه ای که در رابطه با معشوق و ممدوح یعنی جهان بشری صورت می گیرد نیز دیده شده و در این مورد تضاد مذکور به خاطر يك عنصر اضافه شده در موضوع آئینه (وسیله مصقل برای صیقل دادن ۱۵۹/۲)

حتی برجسته‌تر به نظر می‌رسد. در این قرینه آئینه به دلایل شکلی و عقلی هم، رخ معشوق (۲۱۱/۱۴) و هم بخصوص، دل عاشق (۱۵۹/۲، ۲۰۸/۸، ۳۸۵/۱۱ در این مورد در مقاله ما Procuste, Sisifo, Mida, Persia Barocca, Reggio Emilia, 1983.

در صفحه ۱۱۲ اشتباهاً به جای دل عاشق دل معشوق و به جای شماره ۳۸۵/۱۱ شماره ۳۵۸/۱۱ نوشته شده و به بیت شماره ۱۵۹/۲ اشاره نشده بود). می‌باشد. زنگ در اینجا نیز مخالف درخشندگی و یا درد (۱۵۹/۲) یا رنج عشق (۲۰۸/۸) یا يك خدمت تعمیلی (۳۸۵/۱۱) یا بدبختی روح (۲۱۰/۱۴) را نشان می‌دهد. آه همچون ابر در آسمانی است که موفق نمی‌شود با درخشندگی معنوی ممدوح برابری کند (۳۵۶/۱۶). خلاصه تضادی که در جهان طبیعی ملاحظه شده در جهان بشری تکرار و تأیید شده و هم درخشندگی طبیعی و هم درخشندگی بشری پیوسته در تضاد با عملکرد زنگ و آه می‌باشد. این چنین تضاد فقط در مقایسه بین زنگ روی آئینه و خط روی رخ زیبا وجود ندارد و در این مورد لکه خط (یعنی زنگ) دارای ارزش مثبت بوده که این چنین استثنائی اهمیت خاصی دارد (۲۱۱/۱۴). در حقیقت این استثناء بر تداوم وجود يك خصوصیت سبکی دلالت می‌کند که از دادن ارزشهای مختلف به يك عنصر (زنگ، در مورد خاص ما) و از پهلوی هم قرار دادن عناصر متقابل در يك بیت حاکی شده (گل بنفشه و زنگ در مورد خاص ما) و این روش بخصوص در سبك هندی شکوفا خواهد گشت (در این مورد عملکرد آه در بیت شماره ۱۹۲/۱۰ از حافظ هم قابل توجه است). به هر حال در دنیای بشری فرخی، آئینه باز هم بطور محدود یعنی فقط از لحاظ شکل و رنگ توصیف می‌شود، بدون در نظر گرفتن يك قرینه وسیعتر، یعنی بعنوان مثال طرز ساخت یا استفاده خاص آئینه که در اینجا فقط یکبار به آن اشاره می‌گردد (۲۹۳/۱۱). آئینه برای تعریف و توصیف تصاویر جهان طبیعی (۱/۴، ۳/۲، ۱۰۳/۱۴، ۲۱۰/۹، ۳۵۶/۱۶) و بشری (۱۵۹/۲، ۲۰۸/۸، ۱۴/۱۴) ۲۱۰، ۲۱۱/۱۴، ۳۵۶/۱۶، ۳۸۵/۱۱) در نظر گرفته شده و همانطوری که از تمامی پاسخهای سؤال شماره ۳ نتیجه گرفته می‌شود، عملکردش فقط به این تکلیف مقایسه‌ای و صوری محدود شده و هرگز بعنوان موضوع اصلی یا شیئی مستقل در ابیات شاعر توصیف نمی‌شود. چنین استعمال مقایسه‌ای از اینجهت ممکن است که در ابیات فرخی خصوصیات شکل و رنگ آئینه به‌طور واضح و مداوم مورد وصف و بحث قرار می‌گیرد. آئینه در حقیقت به‌خاطر گردی‌اش (برکه، ماه، رخ، قلب با آن مقایسه می‌شود) و درخشندگی‌اش (آسمان، برکه، دشت، با آن مقایسه می‌شود) از طرف شاعر مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و نه به‌خاطر عملکرد، منعکس‌کننده‌اش که گفتیم فقط یکبار به آن اشاره گردیده است. زنگ (که با در نظر گرفتن ترکیباتش از کلماتی است که در ابیات فرخی بیشتر جریان دارد) و آه بر بنیان شکل و نما قابل اهمیت هست و عملکرد آنها که برخلاف آئینه هنوز حفظ و نگهداری می‌شود به عملکرد يك حجاب تاریکی‌دهنده تبدیل می‌گردد. پس برخی از خصوصیات و قوانین وصف آئینه در سبك خراسانی

این چنین است، و سرایندگان بعدی نه فقط نمی توانند این سنت را نادیده بگیرند بلکه پیام خود را تنها با در نظر گرفتن چهارچوب این سنت می توانند بیان کنند. حال برمی گردیم به سعدی. کافی است به پاسخهای سؤال شماره ۱ نگاهی بیندازیم تا متوجه شویم چگونه نقش و ارزش مقایسه ای آئینه تغییر کرده است. آنچه در ابیات فرخی فقط بصورت يك استثناء بود و در ابیات سعدی بصورت يك قاعده درمی آید و در ۲۲ بیت از ۳۸ بیت هیچ شیئی با آئینه مقایسه نمی شود، و آئینه در تشبیهات، در استعارات و در ارسال مثلها موجود نیست. علاوه بر این، جهان بی روح طبیعت تقریباً بطور کامل جای خود را به جهان بشری می دهد (با يك استثنا ۷/۷۱۶) و عناصر موجود در پاسخهای شماره ۱ از این قبیل هست: روی/سیما (۶/۴۸۱، ۱/۷۲۶، ۱۶/۷۳۵، ۱۳/۸۱۵، ۶/۱۰۲۴) جبین (۴/۴۹۶) دل (۳/۵۵۹) چشم (۱۳/۵۱۵) و هم (۱/۶۱۶) و عناصر دیگری از تصویر انسان که چندان روشن و مشخص نمی باشد (۱۸/۴۴۲، ۸/۵۰۳، ۹/۷۱۴، ۱۴/۷۶۵، ۱۶/۱۰۱۵، ۷/۱۰۳۲).

حال اگر موضوعات موجود در پاسخهای سؤال شماره ۳ را بخوانیم البته جواب و دلیلی برای چنین تحولاتی پیدا می کنیم. در حقیقت، عملکرد اصلی آئینه در اکثر موارد منعکس کردن معشوق (۲۷ مورد: ۱۸/۴۴۲، ۹/۴۴۳، ۱۶/۴۴۴، ۳/۴۶۳، ۸/۵۰۳، ۱۳/۵۱۵، ۴/۵۳۱، ۱۵/۵۳۲، ۵/۵۳۳، ۱۴/۵۵۵، ۱۵/۵۷۵، ۴/۵۸۱، ۱/۶۱۶، ۱۶/۷۳۵، ۱۵/۷۴۵، ۹/۷۵۴، ۶/۷۵۹، ۱۳/۷۶۰، ۱/۷۶۳، ۱۵/۷۶۶، ۱۲/۷۷۷، ۴/۷۹۵، ۶/۷۹۵، ۱/۷۹۶، ۱۶/۸۰۱، ۹/۸۰۳، ۱/۸۶۳) یا انسان دیگری (۳ مورد: ۱/۶۱۶، ۹/۷۱۴، ۱۴/۷۶۵) می باشد. بنابراین آئینه عملکرد اصلی و عمده خود را دوباره بدست می آورد، عملکردی که آئینه برای آن ساخته شده بود یعنی همان قدرت منعکس کننده تصویر بشر. بر بنیان این تغییرات لزوم و امکان استفاده آئینه در تشبیه و در استعاره و در ارسال مثل بخصوص در رابطه با جهان بیجان طبیعت کاهش پیدا می کند. به اینجهت دنیای آئینه در اشعار سعدی نسبت به بعد مصنوعی و صوری ابیات فرخی جنبه های طبیعی تر و عادی تر دارد. فرخی، همانطور که در بالا گفتیم، در مورد آئینه بیشتر به این سؤال توجه دارد که آئینه چگونه است و کمتر به سؤال دیگر می پردازد که آئینه چه عملکردی دارد؟ آئینه در ابیات فرخی با خصوصیات رنگ و شکل خود، که می توان در تضاد درخشندگی/ تاریکی خلاصه کرد، برای توصیف کردن مناظر طبیعت و حالات روحی به کار برده می شود. در دنیای سعدی آئینه این نقش غیر طبیعی و فرعی را از دست می دهد و عملکرد اصلی و معمول خود را که مورد نظر قرار گرفته می یابد و موجب مقایسه هم می شود. اصول مقایسه که قبلاً از قوانین کیفی و صوری (منظور ما جنبه های شکل و رنگ می باشد) سرچشمه می گرفت اکنون با در نظر گرفتن عملکرد خاص آئینه وسیعتر می شود. به هر حال عملکرد آئینه به منعکس کردن تصویر انسان محدود نمی شود بلکه بعنوان وسیله ای برای بیان کردن مهمترین ماجرای انسانی یعنی ماجرای عشقی استعمال می شود (۱۵/۷۴۵، ۱۲/۷۷۷، ۴/۷۹۵، ۶/۷۹۵) تا جایی که چند بار حتی معشوق با نگاه کردن رخ



خود در آئینه از وضعیت دردناک عاشق آگاه می‌شود (۴۴۳/۹، ۴۴۴/۱۶، ۴۶۳/۳، ۵۳۱/۴، ۵۵۵/۱۶، ۷۴۵/۱۵، ۷۶۰/۱۳، ۷۹۵/۴، ۸۰۳/۹).

گفتیم که در ابیات فرخی توسط آئینه واقعیات مختلف بشری و طبیعی توصیف گشته (چنین خصوصیت در سعدی فقط در بیت ۵۱۵/۱۳ ملاحظه می‌شود) ولی بیان نمی‌شود. در ابیات سعدی عملکرد منعکس‌کننده آئینه حتی می‌تواند اسرار الهی و حقایق مخفی را فاش سازد (۴۸۱/۶، ۵۵۹/۳، ۱۰۱۵/۱۶، ۱۰۲۴/۶، ۱۰۳۲/۷) و آئینه علاوه بر اینکه وسیله‌ای برای انعکاس یا بیان کردن واقعیت انسانی می‌باشد به سرچشمه مستقیم آشنایی الهی نیز تبدیل می‌شود و در این مورد یادآوری می‌شود که فقط آئینه می‌تواند در سراسر دنیا تصویری شبیه معشوق بوجود بیاورد. (۵۳۳/۵، ۵۷۵/۱۵، ۷۵۴/۹، ۷۶۳/۱، ۷۶۶/۱۵، ۷۹۶/۱، ۸۰۱/۱۶) و این دلیل دیگری بر تایید ارزش فوق‌العاده و سحرانگیز عملکرد منعکس‌کننده‌اش می‌باشد. تفاوت بین توان منعکس‌کننده و فاش‌سازنده آئینه (در اشعار سعدی و همچنین در اشعار حافظ) می‌تواند در جملات زیر خلاصه شود:

#### جنبه منعکس‌کننده آئینه:

آئینه چیزهایی را منعکس می‌کند که برای شاعر وجود آنها حتمی و آشنا باشد و در این مورد آئینه در مقابل آن چیزها قرار می‌گیرد و آنها را بطوریکه هست نشان می‌دهد.

#### جنبه فاش‌سازنده آئینه:

آئینه چیزهایی را فاش می‌سازد که وجود آنها برای شاعر حتمی و آشنا نباشد و این وجود فقط به توسط ظهور و تجلی آن چیزها در آئینه مستند می‌شود و آئینه بدین گونه به دستگاهی تحقیقی تبدیل می‌شود. چنین تفاوتی در ابیات سعدی نسبتاً روشن است و آئینه عملکرد منعکس‌کننده و فاش‌سازنده خود را بطور جداگانه نشان می‌دهد؛ درحالیکه در ابیات حافظ به سبب حالت تلفیقی جنبه‌های خاکی و روحی اشعارش به‌سختی می‌توان چنین تفاوتی را را مشخص کرد.

حال برگردیم به اختلاف بین فرخی و سعدی که در بالا بدان اشاره گردید و عناصر منعکس‌شده در آئینه را که شاعر مستقیماً از آن یاد می‌کند مورد ملاحظه قرار دهیم تا تأییداتی در مورد پیشنهادمان پیدا کنیم. در ابیات فرخی، همانطور که دیدیم، رخ فقط یکبار منعکس می‌گردد. در ابیات سعدی، کلمه رخ/صورت/سیما بیشتر از هر عنصر دیگر جریان دارد. (۴۴۲/۱۸، ۴۶۳/۳، ۴۸۱/۶، ۵۳۱/۴، ۵۵۹/۳، ۵۷۵/۱۵، ۶۱۶/۱، ۷۶۰/۱۳، ۷۶۳/۱، ۷۶۶/۱۵، ۸۰۱/۱۶، ۸۰۳/۹) و همچنین آفتاب (۴۹۶/۴) چشم (۵۱۵/۱۳) شکم (۷۱۴/۹، ۱۰۳۲/۷) پرتو (۷۶۳/۱) بی‌بصر (۷۶۵/۱۴) نور (۱۰۲۴/۶) و عکس (۸۶۳/۱) هم موجود است و تمام این عناصر برای تعریف جدید آئینه لازم بوده که البته در ابیات فرخی دیده نمی‌شود. به‌عکس، خصوصیتی که از آئینه فرخی در ابیات سعدی هم پیدا می‌شود، اگرچه کمی

از اهمیت قدیمی خود را از دست داده است، تضاد درخشندگی/ تاریکی است؛ همانطور که وجود زنگ/ زنگار (۵۱۵/۱۳، ۵۵۹/۳، ۱۰۱۵/۱۶) آه (۷۱۶/۷، ۷۲۶/۱، ۱۳/۱۳، ۸۱۵/۱، ۸۶۲/۱) حجاب (۵۰۳/۸) و صفات نشان‌دهنده درخشندگی آینه (۴۴۲/۱۸، ۵۰۳/۸، ۷۱۴/۹، ۷۲۶/۱، ۷۶۵/۱۴، ۸۱۵/۱۳) و تاریکی آینه (۵۰۳/۸، ۷/۷۱۶) گواهی می‌دهد. این ارتباط با گذشته، خاصه جایی که به عملکرد تخریبی زنگ (۵۰۳/۸، ۵۱۵/۱۳، ۵۵۹/۳، ۱۰۱۵/۱۶) و آه (۷۱۶/۷، ۷۲۶/۱، ۸۱۵/۱۳) و به درخشندگی آینه (۴۹۶/۴) اشاره شده، مستند می‌گردد.

سعدی بطور خلاصه تمامی رشته‌ها و روابط با سنت گذشته را یکسره و کاملاً پاره نمی‌کند، ولی از طرف دیگر، احترامی که در مورد بعضی عناصر گذشته دارد بهیچوجه مانع تولد جهان شعری جدید او نمی‌شود. سعدی آن دنیای فرخی را که توجه خاصی به جنبه‌های تزئینی و تشریفاتی دنیوی و بخصوص احساسات خونسرد درباری و سلیقه دقیق معمار را نشان می‌داد و بطور مجرد و صوری برای رنگ و شکل اشیاء دقت بیشتری نسبت به تجربه زندگی انسان داشت رها می‌کند، و بجای آن يك دنیای انسانی‌تر و شخصی‌تر که بیشتر متوجه رنجها و لذتها، یعنی احساسات زندگی واقعی می‌باشد به معرض نمایش می‌گذارد.

حافظ شیوة سعدی را قبول و آن نمونه را دنبال کرده و بعد کمال می‌رساند ولی از بعضی لحاظ بیشتر از سعدی به روش یا بهتر بگوییم به قصد و منظور فرخی نزدیک می‌گردد. بعنوان مثال، بطوریکه از پاسخ‌های شماره ۱ معلوم می‌شود، آینه در يك دورنمای جدید، ولی، باز هم دارای شکلها و رنگهای زمان گذشته، نقش خود را در تشبیهات و استعارات و ارسال مثلها (فقط با يك استثنا ۲/۳۷۳) دوباره بازمی‌یابد. به‌رحال در ابیات حافظ بیشتر دنیای تصویر بشری سعدی (همانطوریکه وجود رخ/ روی/ چهره ۲/۷۰، ۵/۱۲۳، ۸/۱۳۳، ۱/۱۷۴، ۶/۱۸۸، ۸/۲۲۹، ۲/۳۳۷، ۶/۴۱۰، دل ۴/۱۴۶، ۱۰/۱۹۲، ۶/۳۴۷، ۶/۴۷۶، ۲/۴۸۱ دیده/چشم ۱/۶۰، ۵/۱۰۱، ۴/۲۵۸، ۸/۳۵۰ و قسمتهای نامعین دیگری از تن بشر ۱۰/۵۰، ۴/۱۷۸، ۴/۳۷۴) دنبال و کامل می‌شود، گرچه بعضی عناصر طبیعی که به سبک فرخی نزدیکتر است و حافظ فقط برای نشان دادن وضعیت بشری آنها را استعمال می‌کند، بارها تکرار می‌شود (ماه ۴/۳۰، ۲/۵۷، ۴/۴۳۸، خورشید/مهر/آفتاب ۲/۵۷، ۷/۱۸۸، ۲/۲۸۸، ۱/۴۰۰، ۴/۴۳۸). تنها نوآوری حافظ نسبت به فرخی و سعدی در پاسخ‌های شماره ۱ وجود جام/قدح است (۵/۵، ۸/۹۱، ۱/۱۰۷، ۴/۱۳۶، ۸/۱۴۵، ۹/۲۴۴، ۶/۳۵۳، ۳/۴۰۵، ۵/۴۶۸) که دارای اهمیت زیاد است و بعداً به آن اشاره خواهیم کرد.

از نقطه نظر تصویرسازی آینه، ابداعات حافظ، اگرچه از نظر تعداد کم می‌باشد، ولی علاقه شاعر را نسبت به رنگها و شکلها نمایان می‌سازد، توجهی که مخصوص سبک فرخی بوده و در اشعار سعدی اهمیت خود را از دست داده است. از این نقطه نظر نیز توجه شاعر نسبت به تضاد درخشندگی/ تاریکی، که هم در ابیات فرخی و هم در

بیانات سعدی موجود است، باقی می‌ماند. در حقیقت بار دیگر از میان پاسخ‌های شماره ۲ هم زنگ (۱۴۶/۴) و هم آه (۱۲۳/۵، ۱۹۲/۱۰، ۲۱۴/۳، ۲۵۸/۸، ۳۲۹/۸، ۲/۳۲۹) و هم گرد و غبارهای مختلف (۲۴۷/۶، ۴۸۱/۲) و هم صفات و اسمهای نشان‌دهنده درخشندگی آئینه (۷/۱، ۱۹۲/۱۰، ۲۵۸/۴، ۳۴۷/۶) و هم تاریکی آئینه (۳۴۷/۶) پیدا می‌شود. این تضاد جایی که عملکرد زنگ (۱۴۶/۴) و گرد و غبار (۲۴۷/۶، ۴۸۱/۲) و آه (۱۲۳/۵، ۲۱۴/۳، ۲۵۸/۸) و چگونگی درخشندگی آئینه (۱۴۵/۸، ۱۹۲/۱۰) توصیف شده است تأیید می‌گردد. عواملی که در اشعار سعدی وجود دارد ولی مخصوص سبک فرخی است. خصوصیت دیگری از آئینه فرخی که در ابیات حافظ به چشم می‌خورد عملکرد توصیف‌کننده واقعیات می‌باشد که در مورد حافظ این واقعیات فقط از نوع بشری است و به طبیعت مربوط نمی‌شود (۵/۱۲۳، ۱۲۳/۸، ۱۴۶/۴، ۱۷۴/۱، ۲۵۸/۴، ۳۴۷/۶). سعدی این عملکرد توصیف‌دهنده آئینه را فقط در یک مورد ذکر شده در بالا، حفظ کرده و توجه بیشتری به عملکردهای دیگر آئینه یعنی عملکرد منعکس‌کننده و عملکرد فاش‌سازنده و عملکرد بیان‌کننده نشان می‌دهد. حافظ بطور کلی این آخری را یعنی عملکرد بیان‌کننده را در نظر نگرفته (و علتش بی‌توجهی شاعر نسبت به تفسیرات و تعبیرات انسان در مورد مسائل زندگی می‌باشد) و دوتای دیگر را بطور وسیع تحت دقت قرار می‌دهد اگرچه در مقابل آنها علاقه متفاوتی نسبت به سعدی دارد. در حقیقت، از لحاظ کمیت، آئینه سعدی در ۳۰ مورد (در بالا ذکر شده) و آئینه حافظ در ۱۴ مورد (۷/۱، ۳۰/۴، ۲/۵۷، ۶۰/۱، ۹۱/۸، ۱۰۱/۵، ۱۰۷/۱، ۱۳۳/۸، ۲۵۸/۴، ۳۵۰/۸، ۳۷۴/۴، ۱/۴۰۰، ۴۲۸/۴، ۴۷۶/۶) واقعیت را منعکس می‌کند، درحالیکه آئینه حافظ در ۱۲ مورد (۵/۵، ۵۰/۱۰، ۷۰/۲، ۱۰۷/۲، ۱۳۶/۴، ۱۷۸/۴، ۲۴۴/۹، ۲۸۸/۲، ۸/۳۲۹، ۳۵۳/۶، ۴۰۵/۳، ۴۶۸/۵) و آئینه سعدی در ۵ مورد (در بالا ذکر شده) حقایق را فاش می‌سازد. وجود جام در ابیات حافظ و غیبت این چنین عنصری در اشعار سعدی نشانه آشکاری از این اختلاف آخری می‌باشد.

حالا نگاهی به عناصر مربوط به آئینه می‌اندازیم که با توجه به پاسخهای سؤال شماره ۳ بین سعدی و حافظ مشترك نیست: (به عنوان مثال، عاشق، معشوق، زنگ، آه و برعکس مشترك هست) تفاوت بین دو شاعر بیشتر احساس می‌شود. سعدی فقط عملکرد منعکس‌کننده آئینه را با ذکر آفتاب (۴۹۶/۴)، شکل (۷۱۴/۹، ۱۰۳۲/۷) و بی‌بصر (۷۶۵/۱۴) تأکید می‌کند؛ درحالیکه حافظ هم عناصر مربوط به عملکرد فاش‌سازنده آئینه از قبیل صوفی (۷/۱)، عارف (۱۰۷/۱)، پیر مغان (۱۳۶/۴)، اسکندر (۱۷۴/۱)، صاحب نظر (۱۸۸/۷)، طوطی (۳۷۳/۲) و هم عناصر مربوط به ساخت و چگونگی آئینه از قبیل جوهر (۲۱۴/۳)، آهن (۳۳۷/۲)، گرد (۳۴۷/۶) و غبار (۴۸۱/۲) یاد و توصیف می‌کند. به اینصورت علاقه دوجانبه حافظ از یکطرف نسبت به عملکرد فاش‌سازنده آئینه، (آئینه یکبار حتی خدا نمائی ۹۱/۸ در رابطه با نمای الهی رخی که در آن دیده شده گفته می‌شود) و از طرف دیگر نسبت به عناصری که بطور کلی مربوط

به خصوصیات مادی آینه یعنی به ساخت و چگونگی آن می‌باشد ظاهر می‌شود. در خاتمه می‌توان گفت که حافظ هم توجه صوری فرخی را نسبت به اشکال و رنگهای اشیاء و هم توجه عقلی سعدی را نسبت به مسائل روحی انسان مد نظر دارد و با تکیه بر جنبه‌های جهان‌بینی دو شاعر آنها را تلفیق و غنی کرده و بعد جدیدی را که در يك زمان متوجه اشکال و رنگهای اشیاء و مسایل روحی انسان می‌باشد به وجود می‌آورد. و این بعد جدید بنیانی برای هر نوع تحولات و دگرگونیهای سبکی آینده خواهد بود. حافظ در بازسازی جهان بشری سعدی از اندیشه‌های عمیق‌تر برخوردار شده و چون با حقایق جاویدان و پیوسته‌یکسان، روابط مستقیم‌تر پیدا کرده، توجه‌اش نسبت به اشکال و رنگهای شعری فرخی، که آنها هم جاویدان و پیوسته یکسان است، بیشتر می‌شود. به این‌طریق جهان جاویدان اشکال فرخی و جهان انسانی عقاید سعدی با هم تلفیق شده و به جهان اشکال عقاید که هم جاویدان و هم انسانی می‌باشند زندگی می‌بخشند.

تمام آنچه گفتیم بار دیگر این عقیده را مستند می‌کند که سبک شعر فارسی در طول تاریخش نه از نوآوریها و تحولات چشم‌گیر، بلکه تنها از بازسازیها و تخصصاتی برخوردار می‌باشد که بعضی اوقات نه جنبه کیفی، بلکه تنها جنبه کمی را در مقابله با کنجینه سنتی عناصری که همزمان با خود شعر فارسی بوجود آمده نشان می‌دهد و این آخرین اعتقاد است که از مدتها پیش ما را به تنظیم فهرستهای الفبائی و بس‌آمدی کلمات بکار برده شده در متون شعر تشویق می‌کند.<sup>۱</sup>

عملی که این بار نیز برای سه شاعر مورد نظر انجام داده‌ایم، ولیکن با در نظر گرفتن قلت ابیات فرخی ما فقط بعضی نماهای سعدی و حافظ را مورد مقابله قرار داده و نتایجی که به این طریق بدست آمده با پیشنهادهای ارائه شده در بالا مقایسه کردیم. کافی است نگاهی به جدولهای تعیین‌شده بیندازیم تا متوجه شویم که واژه‌نامه حافظ نسبت به واژه‌نامه سعدی غنی‌تر و گوناگون‌تر می‌باشد. در حقیقت اگر تعداد کل کلمات استعمال‌شده را بر تعداد گونه‌های مجرد این کلمات تقسیم کنیم (این‌گونه کلمات به اصطلاح واژه نامیده می‌شود، ر. ک. به مقدمه) برای ابیات سعدی مخرج  $2/976 = 622:209$  و برای ابیات حافظ مخرج  $2/506 = 614:245$  به دست می‌آوریم. یعنی حافظ تقریباً در هر  $2/5$  کلمه يك واژه جدید به‌کار می‌برد، درحالی‌که سعدی تقریباً در هر ۳ کلمه يك واژه جدید را مورد استفاده قرار می‌دهد. درصدنسبی،

۱- رجوع شود به:

R. Z., Contributo a una prima definizione di Rakhnè-ye divar in Saeb, Oriente Moderno, LVIII (1978) 7-8, pp. 341-356;

R. Z., Il Marchio Rovente: dag in Kalim e Urfi, Par I, Undici di Marzo, Venezia, 1983. p.p. 1-445;

R. Z. Procuste, Sisifo, Mida, Persia Barocca, Reggio Emilia, 1983, pp. 87-151;

ریکاردو زیپولی، چرا سبک هندی در دنیای غرب سبک باروک خوانده می‌شود، انجمن فرهنگی

ایتالیا، تهران ۱۳۶۳.

بطور آشکار این نتیجه را تأیید می‌کند زیرا که در ابیات سعدی واژه‌ها ۲۳/۶۰٪ از کل کلمات و در ابیات حافظ واژه‌ها ۳۹/۹۰٪ از کل کلمات است. بنابراین ابداع واژه‌ها (قاموسی) در ابیات سعدی نسبت به ابیات حافظ ضعیف‌تر است، یعنی واژه‌نامه حافظ غنی‌تر و واژه‌نامه سعدی تکراری‌تر می‌باشد، و این جنبه تکراری که در واژه‌نامه سعدی وجود دارد به این علت بیشتر احساس می‌شود که واژه‌ها با بالاترین بسامد در ابیات سعدی نسبت به ابیات حافظ، بیشتر جریان دارد، درحالی‌که واژه‌ها با پایین‌ترین بسامد در ابیات حافظ نسبت به ابیات سعدی، بیشتر جریان دارد این کشش بعداً به تدریج برعکس می‌شود.

بسامد (بسامد ۱ و ۲ که در آخرین ردیفهای دو فهرست بسامدی جا میگیرد) در ابیات حافظ نسبت به ابیات سعدی بیشتر جریان دارد، یعنی بطور دقیقتر همانطور که مشاهده میشود اولین ۱۴ واژه فهرست بسامدی سعدی نسبت به اولین ۱۴ واژه متقابل فهرست بسامدی حافظ بسامد بالاتری دارند. این کشش بعداً به تدریج برعکس میشود بطوریکه با تقسیم‌کردن فهرستهای بسامدی به چهار قسمت این اصل کاملاً آشکارا مشخص میگردد. اولین قسمت شامل کلماتی شده که واژه‌های مربوط بالاترین بسامد تا بسامد ۱۰ داشته باشد. دومین قسمت شامل کلماتی شده که بسامد واژه‌های مربوط بین ۱۰ و ۵ میباشد. سومین قسمت شامل کلماتی شده که بسامد واژه‌های مربوط بین ۵ و ۲ میباشد، و بالاخره چهارمین قسمت شامل کلماتی شده که بسامد واژه‌های مربوط ۱ میباشد (اینچنین واژه‌ها اصطلاحاً Hapax Legomena نامیده میشود). قسمت اول فهرست سعدی (شامل ۲۶۶ کلمه که ۴۲/۶٪ از کل کلمات ابیاتش میباشد) نسبت به قسمت اول فهرست حافظ (شامل ۱۸۸ کلمه که ۳۰/۶۱٪ از کل کلمات ابیاتش میباشد) تعداد بیشتری کلمات دارد، درحالی‌که سه قسمت دیگر فهرست حافظ نسبت به قسمت‌های متقابل فهرست سعدی کلمات بیشتری دارد، همانطور که در زیر ملاحظه میشود: قسمت دوم فهرست حافظ شامل ۱۲۶ کلمه که ۲۰/۵۲٪ از کل کلمات ابیاتش میباشد، قسمت دوم فهرست سعدی شامل ۱۰۵ کلمه که ۱۶/۸۸٪ از کل کلمات ابیاتش میباشد، قسمت سوم فهرست حافظ شامل ۱۴۵ کلمه که ۲۳/۶۱٪ از کل کلمات ابیاتش میباشد، قسمت سوم فهرست سعدی شامل ۱۱۶ کلمه که ۱۸/۶۴٪ از کل کلمات ابیاتش میباشد، قسمت چهارم فهرست حافظ شامل ۱۵۵ کلمه که ۲۴/۲۵٪ از کل کلمات ابیاتش میباشد، قسمت چهارم فهرست سعدی شامل ۱۳۵ کلمه که ۲۱/۷۰٪ از کل کلمات ابیاتش میباشد. به‌طور کلی میتوانیم این داده‌ها را در جدول زیر مشخص کنیم:

- (۱) کلماتی که واژه‌های مربوط بالاترین بس‌آمد تا بس‌آمد ۱۰ دارد.
- (۲) کلماتی که بس‌آمد واژه‌های مربوط بین ۱۰ و ۵ میباشد.
- (۳) کلماتی که بس‌آمد واژه‌های مربوط بین ۵ و ۲ میباشد.
- (۴) کلماتی که بس‌آمد واژه‌های مربوط ۱ میباشد.

سعدی		حافظ	
تعداد	درصد نسبت به جمع کل کلمات	تعداد	درصد نسبت به جمع کل کلمات
۲۶۶	۴۲/۷۶۰۰۰٪	۱۸۸	۳۰/۶۱۰۰۰٪
۱۰۵	۱۶/۸۸۰۰۰٪	۱۲۶	۲۰/۵۲۰۰۰٪
۱۱۶	۱۸/۶۴۰۰۰٪	۱۴۵	۲۳/۶۱۰۰۰٪
۱۳۵	۲۱/۷۰۰۰۰٪	۱۵۵	۲۵/۲۴۰۰۰٪
۶۲۲	۱۰۰٪	۶۱۴	۱۰۰٪

به این ترتیب روشن می‌شود که حافظ نسبت به سعدی واژه‌هایی را بیشتر استعمال می‌کند که بسامد آنها پایین باشد. این کشش بخصوص در مورد واژه‌هایی که بسامد آنها ۱ یا ۲ است مشخص می‌شود: تعداد کلماتی که به واژه‌های با بسامد ۲ مربوط می‌شود در سعدی ۴۲ یعنی ۶/۷۵٪ از کل کلمات و در حافظ ۸۸ یعنی ۱۴/۳۳٪ از کل کلمات است. اعداد مربوط به واژه‌ها با بسامد ۱ در بالا ذکر شده و در سعدی ۱۳۵ یعنی ۲۱/۷۰٪ از کل کلمات و در حافظ ۱۵۵ یعنی ۲۵/۲۴٪ از کل کلمات است پس حافظ نسبت به سعدی واژه‌هایی که کمتر جریان دارد با بسامد ۱ و ۲ بیشتر تکرار می‌کند و این دو عامل همانطوریکه در بالا ذکر گردید، اختلاف موجود در واژه‌نامه دو شاعر را آشکارتر می‌سازد.

حال اگر کل کلمات ابیات سعدی و حافظ را به دو قسمت تقسیم کنیم بطوریکه قسمت اول شامل تمام کلمات «خالی» و قسمت دوم شامل تمام کلمات «پر» باشد (در مورد معنای این دو اصطلاح به مقدمه مقاله رجوع شود) و درصد آنها را در مقابل کل کلمات حساب بنماییم به نتایج زیر می‌رسیم:

سعدی ۳۶۰ کلمه «خالی» و ۲۶۲ کلمه «پر» و حافظ ۲۷۵ کلمه «خالی» و ۳۳۹ کلمه «پر» استعمال می‌کند، به بیان دیگر در ابیات سعدی کلمات خالی ۵۷/۸۸٪ و کلمات «پر» ۴۲/۱۲٪ از کل کلمات، و در ابیات حافظ کلمات «خالی» ۴۴/۷۹٪ و کلمات «پر» ۵۵/۲۱٪ از کل کلمات را تشکیل می‌دهد. این نتایج تضاد چشمگیر را نشان می‌دهد، یعنی حافظ نسبت به سعدی تعداد بیشتری از کلمات «پر» که از لحاظ معنا غنی‌تر می‌باشد بکار می‌برد؛ لذا واژه‌نامه حافظ در مقابل واژه‌نامه سعدی هم از نظر تعداد و تنوع، هم از نظر معنای واژه‌ها غنی‌تر است و برعکس، ابیات سعدی نسبت به ابیات حافظ نه تنها حالت تکراری بیشتری دارد، بلکه از لحاظ معنی کلمات سبکتر و روانتر و آسانتر به نظر می‌رسد. این اختلاف دوگانه آن تفاوتی را که بین ابیات سعدی و حافظ توسط جدولهای تکنیکی ما در بالا ارائه شده بود تأیید می‌کند. با توجه به این اختلاف، دقت حافظ در مقابل سعدی هم به ساخت و چگونگی و هم به معنا و عملکرد آینه، بیشتر بنظر می‌رسد و این اختلاف دلیل آن است که واژه‌نامه حافظ هم از لحاظ تنوع و هم از لحاظ معنی نسبت به واژه‌نامه سعدی غنی‌تر می‌باشد. در این مورد فراموش نشود که از نقطه نظر کمیت نیز همانطور که در مقدمه گفتیم

حافظ برای آئینه نسبت به سعدی توجه بیشتری مبذول می‌دارد.

در رابطه با این مسئله در خور یادآوری است که اولین واژه تکنیکی مربوط به موضوع آئینه (واژه‌هائی مانند: رخ، روی، صورت، دیدن و غیره در نظر گرفته نمی‌شود) که در فهرست بسامدی سعدی نمایان گردیده «دل» است که بسامد ۵ دارد درحالیکه از میان واژه‌هائی که در فهرست بسامدی حافظ بسامد آنها به ۵ می‌رسد نه تنها دل (بسامد ۷) بلکه آه (بسامد ۹) جام (بسامد ۶) و ماه (بسامد ۵) وجود دارد که همه اینها مربوط به موضوع تکنیکی آئینه می‌باشد.

باز هم با توجه به معنا و تعریف متفاوت موضوع آئینه و در رابطه با واژه‌هائی که بسامد بالا دارد، ناگفته نماند که حرف اضافه‌ای که بیشتر استعمال شده در ابیات سعدی «در» (با ۳۳ مورد) و در ابیات حافظ «از» (با ۱۹ مورد) می‌باشد و این اختلاف می‌تواند به دو معنا و تعریف متفاوت آئینه شاعران ما برگردد. آئینه سعدی بیشتر به این دنیا مربوط است و صحنه‌اش حالت افقی دارد، درحالیکه آئینه حافظ بیشتر به آن دنیا مربوط می‌شود و صحنه‌اش حالت عمودی دارد. بعبارت دیگر، سعدی و اشخاص دیگری که در ابیاتش معرفی شده به آئینه نگاه کرده و در آن منعکس می‌شوند، در صورتیکه حافظ و اشخاص دیگری که در ابیاتش معرفی شده به آئینه نگاه کرده و از روی آن جای دیگری را می‌نگرند.

توجه زیاد سعدی نسبت به این دنیا بوسیله تعدادی از خصوصیات زبانش تأیید می‌شود. بعنوان مثال می‌توان ملاحظه کرد که جمله‌بندیهای سعدی نسبت به جمله‌بندیهای حافظ غنی‌تر و متنوع‌تر است. (کافی است، بسامدهای حروف ربط و مخصوصاً بسامدهای «اگر»، «مگر» و «که» را مورد مقایسه قرار بدهیم) یعنی به حالت عادی نزدیکتر است، و این چنین جمله‌بندیها برای تعریف زندگی این دنیا مناسبتر بنظر می‌رسد. با توجه به این موضوع، این نکته هم قابل ذکر است که ضمیر دوم‌شخص در ابیات سعدی نسبت به ابیات حافظ بیشتر جریان دارد (در اشعار سعدی «تو» ۲۲ و «ات» ۱۵ درحالیکه در اشعار حفظ «تو» ۱۰ و «ات» ۵ بسامد دارد) و این نوع خطاب مستقیم معمولی‌ترین طرز صحبت زندگی ماست که وجودش وضعیت ذکرشده در بالا را تأیید می‌کند.

حالا اگر فهرست‌ها و عددهای ارائه‌شده در بالا را باز هم مورد مقایسه قرار بدهیم امکان تفسیرات و تعبیرات دیگری نیز بوجود می‌آید. بعنوان مثال اگر تعداد کسره‌های اضافه را در نظر بگیریم در ابیات سعدی ۶۲ «کسره» (۹/۹۶٪ از کل کلمات) و در ابیات حافظ ۱۰۵ «کسره» (۱۷/۱۰٪ از کل کلمات) ملاحظه می‌شود. این اختلاف قابل توجه بوده و باکششهایی که ذکر کردیم هماهنگی و مطابقت دارد. در حقیقت همانطور که گفتیم شعر حافظ در مقابل شعر سعدی، بیشتر به دنیای جاویدان و باقی، نسبت به دنیای گذران و فانی توجه دارد و برای اظهار جهان‌بینی حافظ استعمال «اضافه‌ها»ی زیادی کاملاً مناسب بوده زیرا که به جمله‌بندی‌ها یک حالت آرامش و بی‌حرکت غیرطبیعی و غیرعادی داده که با طرز صحبت سعدی که بیشتر

حرکات طبیعی و عادی دارد متفاوت می‌باشد.

علاوه بر این اگر گونه‌های مختلف واژه‌های سعدی و حافظ را مورد مقایسه قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که ۸۶ واژه یعنی ۴۱/۱۵٪ از واژه‌های سعدی و ۳۵/۱۰٪ از واژه‌های حافظ در ابیات دو شاعر ما مشترک است، درحالی‌که سعدی ۱۲۳ واژه (یعنی ۵۸/۸۵٪ از کل واژه‌های خود) که در ابیات حافظ وجود ندارد و حافظ ۱۵۹ واژه (یعنی ۶۴/۹۰٪ از کل واژه‌های خود) که در ابیات سعدی وجود ندارد را استعمال می‌کند. متأسفانه در اینجا فرصت اینکه این اعداد را مورد تجزیه و تحلیل قرار بدهیم وجود ندارد، بنابراین از لحاظ سبک‌شناسی در این زمینه هیچ نظری نمی‌توان ارائه کرد، ولی در رابطه با تحقیق آماری-تطبیقی بین ابیات شعرای ما، پر واضح است که از این راه هم می‌توان به نتایج قابل‌توجهی رسید، و این فقط یکی از امکانات بیشماری است که اینگونه پژوهشها در اختیار محققان قرار می‌دهد.

کوتاه سخن آنکه بررسی و مطالعه آماری-تطبیقی متون شعر فارسی که به توسط فهرستها و جدولهای مختلف انجام شود، می‌تواند در زمینه تحقیقات سبک‌شناسی ادبیات فارسی بینهایت ثمربخش و مفید باشد. البته باید با احتیاط کامل عمل کرد، زیرا که این نوع جدولها و فهرستها خودبخود در کار تجزیه و تحلیل و تفسیر و تعبیر نتیجه نمی‌دهد. اینها فقط وسائلی برای تحقیق‌اند و اگر بطور صحیح مورد استفاده قرار نگیرد امکان دارد محقق و خواننده را گمراه و سرگردان بکند. مثلاً بخاطر کمبود چاپهای صحیح و انتقادی و اشکالات و اشتباهاتی که هنوز در متون مورد نظر ما وجود دارد ما نمی‌توانیم از دیدگاه سبک‌شناسی به عوامل و عناصری که در این متون خیلی کم جریان دارد اهمیت و توجه زیادی بدهیم. به‌رحال تحقیقی که از روی قوانین و قواعد آماری-تطبیقی عمل بشود فرصتهای زیاد دیگری در اختیار محققان و خوانندگان می‌گذارد و می‌تواند بنیان و اساس کند و کاوهای مقایسه‌ای و تطبیقی بین سبکهای مؤلفان مختلف باشد. علاوه بر این انجام چنین‌کاری برای تعیین و تهیه چاپهای انتقادی هم لازم و مفید می‌باشد؛ ولی قبل از انجام این‌گونه پژوهشها بهتر است که محققین در مورد چگونگی تدوین واژه‌نامه‌های کلمات به توافق رضایتبخش برسند و مخصوصاً مسئله تعیین حدود کلمه و معانی اصطلاح «واژه» را به‌طور قطعی حل بنمایند. در حقیقت بدون یک روش معین و مشترک نتایج بدست‌آمده غیرقابل مقایسه و همکاری علمی امکان‌ناپذیر می‌شود. با توجه به این اشکال، پیشنهاد کلی در این زمینه (که با) قوانین رعایت شده در این مقاله کمی تفاوت خواهد داشت) در فرصت مناسب تقدیم همکاران و دوستان گرامی شده و به بحث گذاشته خواهد شد.



